



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



همراه با مسابقه ۱۰۲



حاضران به غایبان برسازند

پیام‌هایی از خطبه غدیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حاضران به غايبان برسائند : پيام هايي از خطبه غدير

نويسنده:

مهدي نيلي پور

ناشر چاپي:

معاونت فرهنگي آستان قدس رضوي

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقيقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	حاضران به غایبان برسانند : پیام هایی از خطبه غدیر
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۹	دعای مطالعه
۱۰	فهرست
۱۲	مقدمه
۱۴	تعریف غدیر خم و واقعه نگاری ابلاغ آن
۱۵	جدول واقعه نگاری ابلاغ غدیر
۱۷	سند خطبه غدیر
۲۰	عید سعید غدیر در آینه کلام رضوی
۲۴	پیام های غدیر و خطبه غدیر
۲۷	غدیر؛ معرفی انسان ۲۵۰ساله شایسته امامت
۲۷	اشاره
۲۹	۱. شیوه تعبّدی
۳۱	۲. شیوه تعقلی
۳۳	۳. شیوه تبشیری و اندازی
۳۴	غدیرباوران و غدیرباوران
۳۸	رسالت غدیریان
۳۸	اشاره
۳۸	اول. رسالت علمی و معرفتی
۳۹	دوم. رسالت عملی
۴۱	غدیرستیزان
۴۱	اشاره

- ۴۳ ۱. منافقین منصب طلب
- ۴۵ ۲. قائلین به جدایی سیاست از دینت
- ۴۵ اشاره
- ۴۵ الف. جریانی از اهل سنت
- ۴۶ ب. جریانی در درون شیعه
- ۵۳ حکومت ولیّ فقیه؛ استمرار جریان غدیر در دوران غیبت
- ۵۷ غدیرخم و تبیین اندیشه و راهبرد تاریخی سیاسی شیعه
- ۶۷ غدیرخم؛ معرفی پیشوایی معصومانه به درازای تاریخ
- ۷۱ آیات الولایه در خطبۀ غدیره
- ۸۵ کتابنامه
- ۸۸ مسابقۀ فرهنگی حاضران به غایبان برسانند
- ۹۳ درباره مرکز

حاضران به غایبان برسانند: پیام هایی از خطبه غدیر

مشخصات کتاب

سرشناسه: نیلی پور، مهدی، 1341 -

عنوان و نام پدیدآور: حاضران به غایبان برسانند: پیام هایی از خطبه غدیر/ مهدی نیلی پور

مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی، 1397.

مشخصات ظاهری: 84 ص. مصور (رنگی) 19 × 12 س م.

شابک: رایگان 9-20 - 6090 - 622 - 978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه؛ ص. 83.

موضوع: غدیر خم.

Ghadir: موضوع

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات اسلامی

رده بندی کنگره: 1397 ح2 / 9 / 5 / 223 / BP

رده بندی دیویی: 297/452

شماره کتاب شناسی ملی: 5290795

عنوان: حاضران به غایبان برسانند

نویسنده: مهدی نیلی پور

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

ویراستار ویرایش دوم: زینب سادات حسینی و انسیه غلام رضاپور

ارزیاب علمی: حجت الاسلام والمسلمین سید محمود مرویان حسینی

طراح جلد: سید حسن موسی زاده

صفحه آرا: عباس پرچمی

ناشر: معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی

چاپخانه: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

نوبت چاپ: سوم، 1398

شمارگان تا کنون: 120000

شمارگان: 10000

شابک: 9-20-6090-622-978

قیمت: 120000 ریال (غیرقابل فروش)

نشانی: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، بین باب الهادی (علیه السلام) و صحن غدیر، مدیریت فرهنگی.

صندوق پستی: 351 - 91735 تلفن: 32002567 - 051

سامانه پیامکی دریافت پیشنهادهای و انتقادات: 802222 3000

حق چاپ محفوظ است.

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

حاضران به غایبان برسانند

پیام هایی از خطبه غدیر

دعای مطالعه

«اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَ أَكْرِمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ انشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»⁽¹⁾

(خدایا، مرا از تاریکی های وهم خارج کن و به نور فهم گرامی ام بدار. خدایا، درهای رحمت را به روی ما بگشا و خزانه های علومت را برایمان باز کن؛ به مهربانی ات، ای مهربان ترین مهربانان!)

ص: 2

1- عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای مطالعه.

تعریف غدیر خم و واقعه نگاریِ ابلاغ آن 6

جدول واقعه نگاریِ ابلاغ غدیر 7

سند خطبه غدیر 9

عید سعید غدیر در آینه کلام رضوی 12

پیام های غدیر و خطبه غدیر 16

غدیر؛ معرفی انسان 250 ساله شایسته امامت 19

1. شیوه تعبّدی 21

2. شیوه تعقلی 233. شیوه تبشیری و اندازی 25

غدیرباوران و غدیریاوران 26

رسالت غدیریان 30

اول. رسالت علمی و معرفتی 30

دوم. رسالت عملی 31

غدیرستیزان 33

1. مناققین منصب طلب 35

2. قائلین به جدایی سیاست از دیانت 37

حکومت ولی فقیه؛ استمرار جریان غدیر در دوران غیبت 45

غدیر خم و تبیین اندیشه و راهبرد تاریخی سیاسی شیعه 49

غدیر خم؛ معرفی پیشوایی معصومانه به درازای تاریخ 59

آیات الولاية در خطبه غدیریه 63

کتابنامه 77

مسابقه فرهنگی 80

پس از روز مبعث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، برترین روز در تاریخ تمدن اسلامی و مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، روز عید غدیر خم است؛ همچنان که در عید مبعث، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از طرف خدای رحیم به رسالت برانگیخته شدند، عید غدیر هم روزی است که حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) از طرف خداوند کریم، برای امامت و ولایت بر مؤمنین برانگیخته شدند و در واقع، این روز، سرآغاز امامت اهل بیت (علیهم السلام) است.

غدیر خم و قهرمان آن، بیش از آنکه حامی و دوست داشته باشد، دشمنان متنوع و متکثر دارد؛ چراکه تمامی جبهه شیطان و طاغوت ها در هر عصر و مصری، در برابر حقیقت غدیر صف کشیده اند و با انواع دسیسه ها و راهبردها و راهکارها، درصدد جلوگیری از رسیدن پیام این واقعه به انسان ها و نسل های بعدی هستند. این دشمنی ها، رسالت بزرگی را بر دوش غدیریاوران می گذارد تا با مجاهدتی خستگی ناپذیر در عرصه های فردی و خانوادگی و اجتماعی، در کنار کار معرفتی و عملی، در تحقق بخشیدن به آرمان های والای غدیر و احقاق حقوق به تاراج رفته اهل بیت (علیهم السلام) در طول تاریخ بکوشند.

امروزه، غدیریاوری به معنای کوشش برای دین داری فردی و همت گماردن برای اجرای حداکثری احکام دین، حمایت از عالمان وارسته دین و حکومت ولی فقیه و بالاخره انتظار و استغاثه برای فرج و ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تشکیل حکومت واحد جهانی بر مبنای نظام امامت است. کتاب حاضر مروری است بر خطبه غدیر پیامبر والامقام اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) که در آن، دوازده موضوع اساسی این خطبه واکاوی شده است. این نوشتار، به سفارش معاونت تبلیغات آستان قدس رضوی و به مناسبت عید غدیر خم، در سال 1437 ق تهیه و حضور شما بزرگواران تقدیم می شود. امید آنکه خداوند همه ما را از غدیرباوران صادق و مجاهد و جرعه نوش کوثر ولایت قرار دهد.

مهدی نیلی پور

شهریور 1395، ذی حجه 1437

ص: 5

تعریف غدیر خم و واقعه نگاری ابلاغ آن

غدیر در زبان عربی به آبگیر یا آبی گویند که از خود، سیلی به جا می گذارد. (1)

خم سرزمینی است میان مکه و مدینه، در نزدیکی جحفه (2) که آبگیر غدیر در آن واقع شده است. (3)

سرزمین غدیرخم در 25 کیلومتری جنوب شرقی ریغ (4) و در فاصله 250 کیلومتری شهر مکه قرار دارد. این مکان، در واقع چهارراهی است که حاجیان اهل سرزمین های مختلف، پس از بازگشت از حج، در آنجا از هم جدا می شوند. غدیرخم از شمال به مدینه، از شرق به عراق، از غرب به مصر و از جنوب به یمن منتهی می شود و امروزه، سرزمینی متروکه است.

به دلیل عظمت واقعه غدیر، مسلمانان و به ویژه شیعیان، در این مکان مسجدی به نام مسجد غدیر بنا کرده بودند. در دهه های گذشته، این مسجد به دست دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) تخریب شده و اکنون جز ویرانه ای از آن باقی نمانده است.

ص: 6

1- خلیل جر، فرهنگ لاروس، ترجمه سیدحمید طیبیان، ج 2، ص 1518.

2- جحفه از مواقیت پنجگانه ای است که آنانی که می خواهند از راه شام به مکه بروند، در آنجا مُحَرَّم می شوند.

3- محمدبن مکرّم بن منظور، لسان العرب، ج 4، ص 223.

4- ریغ سرزمینی است بین ابواء و جحفه.

ابلاغ‌کننده آسمانی	خدای متعال، توسط جبرئیل <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
ابلاغ‌کننده زمینی	شخصیت اول ماجرای غدیر، پیامبر اکرم <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ</small>
موضوع ابلاغ	معرفی علی بن ابی طالب <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small> و یازده امام پس از او <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small> به عنوان جانشینان پیامبر اکرم <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ</small>
مکان ابلاغ	سرزمین خم در کنار غدیر و آبگیر، میان راه مکه به مدینه، در نزدیکی جحفه
زمان ابلاغ	پس از حجة الوداع، پنجشنبه، ۱۸ ذی حجه سال دهم هجری
مخاطبان حضوری ابلاغ	حج‌گزاران از سرتاسر عالم اسلام
تعداد مخاطبان حاضر در غدیر	بیش از صد هزار نفر

تعداد کل مخاطبان	همه انسان‌ها در طول تاریخ، بر اساس درخواست پیامبر اسلام ﷺ برای رساندن پیام غدیر به غایبان و نسل‌های بعد: «فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.» ^۱
هدف ابلاغ	تثبیت حکومت اسلامی با معرفی امام و خلیفه پیامبر اکرم ﷺ
چگونگی ابلاغ	<p>۱. به پا کردن منبری بزرگ از جهاز شترها؛</p> <p>۲. ایراد خطبه‌ای مفصل؛</p> <p>۳. معرفی امیرالمؤمنین علی <small>عليه السلام</small> و سلسله امامت، به عنوان پیشوایان دین با تمام اختیارات پیامبر اکرم <small>ﷺ</small></p>
شیوه تثبیت ابلاغ	دعوت از حاضران برای بیعت با امیرالمؤمنین علی <small>عليه السلام</small>

در علم الحدیث، پیش از بررسی و پیام‌گیری و بهره‌برداری از متن و معنای حدیث، لازم است سند و اعتبار آن سنجیده و ارزیابی شود؛ از این رو، ابتدا باید سند خطبه غدیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بررسی شود. صحت سند خطبه غدیر را از سه راه می‌توان اثبات کرد:

1. بررسی محتوای خطبه غدیر و واکاوی صحت و سقم مطالبش، از راه تطبیق دادن آن با وقایع تاریخی و گزارش‌های مؤرخان: برای نمونه، اگر در خطبه غدیر، برای اثبات موضوع ولایت و امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) از آیه سوم سوره مبارکه مائده استفاده شده است، می‌توان با مراجعه به نظر مفسران و شأن نزول این آیه، میزان صحت آن را بررسی کرد یا اگر در این خطبه فضائلی مانند اولین مسلمان بودن و اولین مجاهد راه خدا بودن، به حضرت علی (علیه السلام) نسبت داده شده است، می‌توان این ویژگی‌ها را با مراجعه به دلایل تاریخی، در ترازوی سنجش قرار داد؛ آنگاه درباره صحت و سقم و سندیت خطبه غدیر به قضاوت نشست.

2. مراجعه به نقل‌های متواتر تاریخی حدیث غدیر که راویان در طول قرن‌های متمادی گزارش کرده‌اند: راویان این نقل‌ها، به بخش‌هایی از خطبه

غدیریه پرداخته اند که به صورت اجمالی، مؤید آن است. حضرت آیت الله سبحانی (حفظه الله تعالی)، در کتاب ارزشمند فروغ ولایت فرموده اند:

در اهمیت این رویداد تاریخی، همین اندازه کافی است که حدود 110 نفر صحابی، حدیث غدیر [یعنی اتفاقی که در حجه الوداع افتاده است و اعلام خبر امامت علی بن ابی طالب (علیه السلام)] را نقل کرده اند؛ البته این مطلب به معنای آن نیست که از آن گروه زیاد، تنها همین افراد حادثه را نقل کرده اند؛ بلکه تنها در کتاب های دانشمندان اهل تسنن نام 110 تن به چشم می خورد. درست است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) سخنان خود را در اجتماع صد هزار نفری القا کرد؛ ولی گروه زیادی از آنان از نقاط دوردست حجاز بودند و از آنان حدیثی نقل نشده است. گروهی از آنان نیز که این واقعه را نقل کرده اند، تاریخ، موفق به درج آن نشده است و اگر هم درج کرده، به دست ما نرسیده است.

در قرن دوم هجری که عصر تابعان است، 89 تن از آنان، به نقل این حدیث پرداخته اند. راویان حدیث در قرن های بعد، همگی از علما و دانشمندان اهل تسنن هستند و 360 تن از آنان این حدیث را در کتاب های خود آورده اند و گروه زیادی به صحت و استواری آن اعتراف کرده اند. در قرن سوم، 92 دانشمند؛ در قرن چهارم، 43 دانشمند؛ در قرن پنجم، 24 دانشمند؛ در قرن ششم، 20 دانشمند؛ در قرن هفتم، 21 دانشمند؛ در قرن هشتم، 18 دانشمند؛ در قرن نهم، 16 دانشمند؛ در قرن دهم، 14 دانشمند؛ در قرن یازدهم، 12

ص: 10

دانشمندی، در قرن دوازدهم، 13 دانشمند، در قرن سیزدهم، 12 دانشمند و در قرن چهاردهم، 20 دانشمند این حدیث را نقل کرده اند. گروهی نیز تنها به نقل حدیث اکتفا نکرده اند؛ بلکه دربارهٔ مفاد آن مستقلاً کتاب‌هایی نوشته اند.

طبری، مورخ بزرگ اسلامی، کتابی به نام الولایه فی طریق حدیث الغدیر نوشته و این حدیث را از متجاوز از هفتاد طریق از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده است.

ابن عقده کوفی در رسالهٔ ولایت، این حدیث را از 105 تن نقل کرده است. ابوبکر محمدبن عمر بغدادی، معروف به جعانی، این حدیث را از 25 طریق نقل کرده است. تعداد کسانی که مستقلاً پیرامون خصوصیات این واقعهٔ تاریخی کتاب نوشته اند، [نیز] 26 نفر است.

دانشمندان شیعه دربارهٔ این واقعه بزرگ کتاب‌های ارزنده‌ای نوشته اند که جامع‌تر از همه، کتاب تاریخی الغدیر است که به خامهٔ توانای نویسندهٔ نامی اسلامی، علامهٔ مجاهد، مرحوم آیت الله امینی، نگارش یافته است. (1)

2. نقل عین خطبهٔ غدیر از سوی محدثان برجسته: این خطبه را محدثان بزرگواری نقل کرده اند؛ از جمله: طبرسی در الإحتجاج، جلد 1، صفحهٔ 55 و سیدبن طاووس در إقبال الأعمال، جلد 1، صفحهٔ 56 و علامهٔ مجلسی در بحار الانوار، جلد 37، صفحهٔ 204. (2)

ص: 11

1- جعفر سبحانی تبریزی، فروغ ولایت، ص 141 و 142؛ به نقل از: کتابخانهٔ دیجیتال قائمیه.

2- برای توضیح و تحقیق بیشتر، به درگاه اینترنتی خطابهٔ غدیر، بخش ویکی خطابه که به تطبیق عبارات خطبهٔ غدیر با احادیث مشابه دیگر پرداخته است و نیز قسمت پاسخ به سؤالات در موضوع سند خطبهٔ غدیر مراجعه فرمایید؛ همچنین می‌توانید به درگاه اینترنتی تبیان در موضوع مدارک متن کامل خطبهٔ غدیر مراجعه کنید.

در روایات اهل بیت (علیهم السلام) برای عید غدیر خم، بیش از پنجاه ویژگی ذکر شده است که در اینجا به بیان دوازده نمونه آن ها در کلام امام رضا (علیه السلام) بسنده می کنیم.

تصویر

متن روایت	نام های دیگر عید غدیر
<p>«... وَ يَوْمٌ ... الْعِيدِ الْأَكْبَرِ.»^۱ [غدیر] روز... عید بزرگ است.</p>	<p>۱. عید بزرگ خدا</p>
<p>«... وَ يَوْمٌ مَرْغَمَةَ الشَّيْطَانِ.»^۲ (این روز، روز به خاک مالیده شدن چهره شیطان است.)</p>	<p>۲. روز به خاک مالیده شدن چهره شیطان</p>
<p>«وَ هُوَ يَوْمُ التَّبَسُّمِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ.»^۳ (این روز، روز تبسم بر چهره مردم است.)</p>	<p>۳. روز تبسم بر چهره مردم</p>
<p>«وَ هُوَ يَوْمُ الزَّيْنَةِ.»^۴ (این روز، روز زینت و آراستگی است.)</p>	<p>۴. روز زینت و آراستگی</p>

<p>«هَذَا يَوْمُ الْإِزْشَادِ.»^۱ (این روز، روز راهنمایی و هدایت است.)</p>	<p>۵. روز راهنمایی و هدایت</p>
<p>«وَ هُوَ يَوْمٌ... مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ.»^۲ (این روزی است که... هر که در آن، مؤمنی را اطعام کند، مانند آن است که همه پیامبران و صدیقین را اطعام کرده است.)</p>	<p>۶. روز اطعام و مهمانی دادن</p>
<p>«وَ هُوَ... يَوْمٌ إِكْثَارِ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.»^۳ (این روز... روز زیاد صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد <small>عليهم السلام</small> است.)</p>	<p>۷. روز صلوات</p>

<p>«هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي اكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ الدِّينَ وَ أَتَمَّ عَلَى أُمَّتِي فِيهِ النَّعْمَةَ.»^۱ (این روز، روزی است که خدا در آن، دین را کامل و نعمت را برامت من تمام کرد.)</p>	<p>۸ و ۹. روز کامل شدن دین و اتمام نعمت</p>
<p>«هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَزِيدُ اللَّهُ فِي حَالِ مَنْ عَبَدَ فِيهِ وَ وَسَّعَ عَلَى عِيَالِهِ وَ نَفْسِهِ وَ إِخْوَانِهِ.»^۲ (این روز، روزی است که خداوند بر حُسن حال بنده‌ای که در آن روز خدا را عبادت کرده و برای خود و خانواده و برادران دینی‌اش گشایش ایجاد کند، می‌افزاید.)</p>	<p>۱۰. روز فزونی بخشی</p>
<p>«وَ هُوَ... يَوْمُ نَشْرِ الْعِلْمِ.»^۳ (این روز... روز نشر دادن دانش است.)</p>	<p>۱۱. روز انتشار علم</p>

«وَهُوَ يَوْمُ التَّهْنِیَةِ یُهَنِّی بَعْضُكُمْ
بَعْضاً فَإِذَا لَقِيَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ یَقُولُ:
«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَنَا مِنْ
الْمُتَمَسِّكِیْنَ بِوَلَایَةِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِیْنَ
وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.»^۱

(این روز، روز تهنیت‌گفتن است که
برخی از شما باید به برخی دیگر
تبریک و تهنیت گویند؛ پس چون
مؤمنی برادرش را ملاقات کرد،
بگوید: «ستایش خدایی را که
ما را از تمسک‌کنندگان به ولایت
امیرمؤمنان و امامان علیهم‌السلام قرارداد.»)

۱۲. روز تهنیت و شادباش

پیام های غدیر و خطبه غدیر

از خطبه غدیر می آموزیم:

- * امامت امتداد خط رسالت است.
- * امامت همچون نبوت، مسئله ای غیبی، آسمانی، وحیانی و انتصابی است.
- * امامت موجب صیانت از قرآن و دیانت است.
- * نظام امامت تمام کننده دیانت است.
- * امامت کامل کننده امر رسالت است.
- * پیوند با امامت، شرط اصلی دیانت است.
- * بریدن از امامت، سبب استیلاي شرک و نفاق است.
- * پیروی از ولایت و پذیرش امامت، خواسته پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است.
- * غدیر خم گره زدن امر رسالت به مسئله امامت است. * غدیر معرفي انسان 250 ساله معصوم، برای هدایت بشر است.
- * غدیر پیامی هدایت ساز برای دوران غیبت است.
- * غدیر تجلی مستمر هدایت است.
- * سرپیچی از راه غدیر، سقوط در چاه ضلالت است.
- * ولایت قلب تپنده دیانت است.

از واقعه غدیر می آموزیم:

* امامت جریانی صالح در بستر تاریخ برای هدایت انسان هاست.

* غدیر خم معرفی آغاز و انجام امامت است.

* مهم ترین پیام غدیر برای نسل امروز، پیام مهدویت است.

* مهم ترین درخواست پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، بیعت مردم با نظام امامت است.

* غدیر خم طلیعه معرفتی سلسله طیبه امامت، از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) تا مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

* قرآن و ولایت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، دو گوهر و دو یادگار و دو امانت رسول مکرّم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند.

* منافقان کینه ورزان نظام امامت و ولایت اند.

* پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از خدا برای مخالفان علی (علیه السلام) جز لعن و نفرین، چیزی نخواستند: «عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ... مَنْ خَدَلَهُ.»

* سفارش به ولایت و امامت، جزو آخرین سفارشات رسول معظّم (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

* دین بدون حکومت و ولایت، دینی ناقص و ناکارآمد است.

* ابلاغ پیام غدیر خم، وظیفه ای همگانی و برای همه نسل ها و عصرهاست.

ص: 17

* ابلاغ پیام غدیر خم، کاری پیامبرگونه است.

* امامت همان بیعت با ولایت است و ولایت همان سیاست پاک و معصومانه.

* از منظر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) سیاست عین دیانت است و از دیدگاه اهل سقیفه، سیاست غیر دیانت.

* حاکمیت امویان و عباسیان، هزینه های جبران ناپذیر جداکردن امام از حوزه سیاست است.

* اصلی ترین پیام غدیر، جدایی ناپذیری سیاست از دیانت است. * مهم ترین اثر غدیر، هم افزایی دو حوزه قدرت دیانت و سیاست است.

* سرسخت ترین دشمن طرح اجرایی غدیر و ولایت، منافقین تشنه قدرت اند.

ص: 18

غدیرخم یا همایش بزرگ تاریخی امامت، روز معرفی چهره های تابناک و شایسته ای است که پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، لیاقت بهره مندی از ولایت معنوی و سیاسی و اجتماعی و دینی بر مردم را دارند. در روز غدیرخم، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) انسان 250 ساله ای (1)

را معرفی کردند که در مقاطع مختلف تاریخ، رهبری امت اسلامی را برعهده دارد و امت اسلام باید با او دست بیعت دهد و از او پیروی کند.

شایستگی های اهل بیت (علیهم السلام) تا به آن حد با عظمت و بی شمار است که نه فقط غدیر، افتخار و شرافت آنان حساب نمی شود، بلکه ایشان، سبب ایجاد غدیر و موجب افتخار و شرافت بخشیدن به واقعه غدیرند. امام خمینی (قدس سره) در این باره فرموده اند:

مسئله غدیر، مسئله ای نیست که بنفسه برای حضرت امیر یک مسئله ای پیش بیاورد: حضرت امیر مسئله غدیر را ایجاد کرده است. آن وجود شریف که منبع همه جهات بوده است، موجب این شده است که غدیر پیش بیاید. غدیر برای ایشان ارزش ندارد. آن که ارزش دارد، خود حضرت است که دنبال آن ارزش، غدیر آمده است. خدای تبارک و تعالی که ملاحظه فرموده است که در بشر بعد از رسول الله کسی نیست که بتواند عدالت را به

ص: 19

1- اشاره به تعبیر زیبای رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) که برای سلسله امامت به کار برده اند و کتابی هم با همین عنوان منتشر شده است.

آن طوری که باید انجام بدهد [و] آن طوری که دلخواه است، انجام بدهد، مأمور می کند رسول الله را که این شخص را که قدرت این معنا را دارد که عدالت را به تمام معنا در جامعه ایجاد کند و یک حکومت الهی داشته باشد، این را نصب کن. نصب حضرت امیر به خلافت، این طور نیست که از مقامات معنوی حضرت باشد. [از] مقامات معنوی حضرت و مقامات جامع او این است که غدیر پیدا بشود و اینکه در روایات ما و از آن زمان تا حالا، این غدیر را آن قدر از [آن] تجلیل کرده اند، نه از باب این [است] که حکومت یک مسئله ای است؛ [نه] حکومت آن است که حضرت امیر به ابن عباس می گوید که: «به قدر این کفش بی قیمت هم پیش من نیست!»⁽¹⁾ آنچه هست، اقامه عدل است. آن چیزی که حضرت امیر (سلام الله علیه) و اولاد او می توانستند در صورتی که فرصت به ایشان بدهند، [انجام بدهند] اقامه عدل [است]... به آن طوری که خدای تبارک و تعالی رضا دارد، ...؛ لکن فرصت نیافتند.⁽²⁾ بخش زیادی از خطبه غدیریه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، درباره تبیین و معرفی شخصیت بی بدیل حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) و دیگر پیشوایان دین و بیان شایستگی های والای معصومین (علیهم السلام) در تصدی مقام امامت و رهبری امت است. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در خطبه غدیر با سه شیوه در پی بسترسازی برای پذیرش ولایت و اثبات امامت معصومین (علیهم السلام) بودند:

ص: 20

1- علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، خطبه 33.

2- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج 20، ص 112، به نقل از: نرم افزار صحیفه امام، نسخه 3.

در این روش، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با بهره گیری از آیات قرآن، به تبیین موضوع انتصاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) به امامت از جانب خداوند و لزوم اعلام این مهم می پردازند؛ برای نمونه فرمودند:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ أَنْ الْإِمَامَةَ بَعْدِي لِعَلِّيَّ وَلِيكَ عِنْدَ تَبْيَانِي ذَلِكَ وَنَصْبِي إِيَّاهُ بِمَا أَكْمَلْتَ لِعِبَادِكَ مِنْ دِينِهِمْ وَأَتَمَّمْتَ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِكَ وَرَضِيَتْ لَهُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَقُلْتُ { وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ } (1) اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا أَنِّي قَدْ بَلَّغْتُ. (2)

پروردگارا، تو این فرمان را بر من نازل فرمودی که پیشوایی و امامت بعد از من، به ولیّ تو [علی (علیه السلام)] اختصاص دارد و من نیز این موضوع را بیان کردم و او را به این مقام منصوب کردم تا به این سبب، دینت را برای بندگانت کامل ساختی و نعمتت را برایشان تمام کردی و وراضی شدی که اسلام دین آنان باشد که خود فرموده ای: «و هرکه از دینی غیر از اسلام پیروی کند، هرگز از او پذیرفته نمی شود و او در آخرت از زیان کاران است.» پروردگارا، تو را گواه می گیرم و تو را این شهادت بس که من تبلیغ خود را انجام دادم.

وَ أَوْحَى إِلَيَّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ { يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِي مُكْمًا مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ } (3) مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا قَصَّرْتُ

ص: 21

1- آل عمران، 85.

2- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 61.

3- مانده، 67.

عَنْ تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَهُ وَ أَنَا مُبَيِّنٌ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ إِنَّ جَبْرِئِيلَ (عليه السلام) هَبَطَ إِلَيَّ مَرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي وَ هُوَ السَّلَامُ أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ وَ أَعْلِمَ
كُلَّ أَيْبُصَ وَ أَحْمَرَ وَ أَسْوَدَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيَّيَّ وَ خَلِيفَتِي وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي
وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَ رَسُولُهُ. (1)

و به من چنین وحی فرموده است: «به نام خداوند بخشایشگر مهربان. ای پیامبر، آنچه از خدا بر تو نازل شد، [به مردم] ابلاغ کن که اگر این کار را نکنی، رسالت او را ابلاغ نکرده ای و خدا تو را از مردم محفوظ خواهد داشت.» ای گروه مردم، من در تبلیغ آنچه خداوند بر من نازل فرمود، کوتاهی نکردم و سبب نزول این آیه را برایتان بیان می کنم: بدانید که جبرئیل (علیه السلام) سه بار به حضور من آمد و از سوی پروردگار من که اصل و مایهٔ سلام است، به من امر کرد که در این مکان به پا خیزم و به همهٔ افراد، هر سفید و سرخ و سیاهی، اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر و جانشین و وصی و امام بعد از من است که منزلت و جایگاه او نسبت به من، منزلت و جایگاه هارون نسبت به موسی است؛ جز اینکه پس از من پیامبری نیست و پس از خدا و رسول خدا، او [یعنی علی] ولی شماست.

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا مُفْتَرَضًا طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ وَ عَلَى الْبَادِي وَ الْحَاضِرِ وَ عَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَ الْعَرَبِيِّ وَ الْحُرِّ وَ الْمَمْلُوكِ وَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ وَ عَلَى الْأَيْبُصِ وَ الْأَسْوَدِ وَ عَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ مَاضٍ

ص: 22

حُكْمُهُ جَائِزٌ قَوْلُهُ نَافِلٌ أُمْرَةٌ. (1) ... مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوَرَاثَةً فِي عَقِبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَقَدْ بَلَغْتُ مَا بَلَغْتُ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ. (2)

پس ای گروه مردم، بدانید که خداوند او [یعنی علی بن ابی طالب] را منصوب کرد تا بر شما ولی و امام باشد و اطاعت او را به نیکویی بر تمام گروه های مهاجر و انصار و تابعین آنان و بر حاضر و غائب و عرب و عجم و آزاد و عبد و کوچک و بزرگ و بر سفید و سیاه و هر خداپرست، واجب فرموده است. فرمان او در خور اجرا و سخنش مقبول و امرش نافذ است. ... ای مردم، همانا من آن [یعنی ولایت] را به صورت امامت و وراثت تا روز قیامت در ذریه خودم به ودیعه می سپارم و به تحقیق آنچه را باید تبلیغ کنم، تبلیغ کردم و این حجت است برای هر حاضر و غایب.

2. شیوه تعقلی

در روش تعقلی، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با استفاده از راهکار اقناعی و بیان فضایل و ویژگی های منحصر به فرد امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و دیگر پیشوایان معصوم (علیهم السلام) و نیز با توجه به قاعده ترجیح راجح بر مرجوح و فاضل بر مفضول، زمینه پذیرش عقلائی امامت حضرات اهل بیت (علیهم السلام) را فراهم آوردند. برخی از ویژگی های امیرالمؤمنین و اهل بیت (علیهم السلام) از زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عبارت است از:

1.2. علی (علیه السلام) اول مؤمن به خدا و رسالت رسول او و فدایی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم)

ص: 23

1- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 59.

2- محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج 1، ص 96.

بِنَفْسِهِ» (1) (او اولین کسی بود که به خدا و رسولش ایمان آورد و خود را فدای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کرد.)

2.2. علی (علیه السلام) بهترین یاور و عزیزترین و نزدیک ترین و سزاوارترین فرد به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «مَعَاشِرَ النَّاسِ هَذَا عَلِيٌّ أَنْصَرَكُمْ لِي وَأَحَقُّكُمْ بِي وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ.» (2)

(ای مردم، این علی است: یاورترین فرد از میان شما برای من و سزاوارترین شما به من و نزدیک ترین و عزیزترین فرد نزد من و خداوند عزّ و جل و من از او راضی هستم.)

2.3. علی (علیه السلام) یاور دین، باتقوا، پاک، هدایتگر، هدایت پذیر و بهترین جانشین: «مَعَاشِرَ النَّاسِ هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَالْمُجَادِلُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَهُوَ النَّبِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِي نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَوَصِيُّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ وَبَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ.» (3) (ای مردم، او کمک کار دین خدا و مدافع رسول خداست و او پرهیزکار، پاک سرشت، هدایت کننده و هدایت شده است. پیامبر شما بهترین پیامبران و وصی او بهترین اوصیا و فرزندانش بهترین جانشینان اند.)

2.4. علی (علیه السلام) وصف شده به صبر و شکر: «إِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ.» (4) (همانا علی کسی است که به صبر و شکرگزاری توصیف شده است.)

2.5. علی (علیه السلام) وصی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انتقام گیرنده از ستمگران: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلِيٌّ وَصِيٌّ أَلَا إِنَّ خَاتِمَ الْأَنْبِيَاءِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ»

ص: 24

1- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 37، ص 208.

2- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 61.

3- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 61.

4- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 62.

أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَ هَادِمُهَا أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنَ الشُّرَكِ» (1) (ای مردم، من پیامبر هستم و علی وصی من است. بدانید که خاتم امامان، مهدی قائم، از ماست. اوست که دین را آشکار می کند [یعنی در دین مسلط و قاهر است] و از ستمگران انتقام می گیرد. همانا او گشاینده و ویرانگر دژهاست و اوست که تمام فرقه های مشرکان را شکست می دهد.)

3. شیوه تبشیری و اندازی

در این روش، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با بشارت به پاداش بزرگ ولایت مداری و اعلام خطر و عذاب برای ولایت گریزان، درصد اثبات امامت شایستگان هستند و می فرمایند:

1.3. «مَعَاشِرَ النَّاسِ أَتَدْرِكُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِي الرَّسُلُ» (2) (ای مردم، شما را بیم می دهم که من فرستاده خدا هستم که پیش از من نیز فرستادگانی بوده اند.)

2.3. «مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ بَايَعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ كَلِمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَةً يَهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَ يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ وَفَى وَ {فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا} (3)» (4)

(ای گروه مردم، از خدا پروا کنید و با علی امیرالمؤمنین و حسن و حسین و امامان بیعت کنید که مانند سخن پاکیزه و پایدارند و بدانید خداوند پیمان شکنان را هلاک می کند و وفاداران را مشمول رحمتش قرار می دهد؛ «پس هرکه پیمان بشکند، جز این نیست که به زیان خویش می شکند و هرکه بر عهد خود با خدا وفادار بماند، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می بخشد.»)

ص: 25

1- محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج 1، ص 97.

2- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 62.

3- فتح، 10.

4- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 66.

از آغازین روز اعلام رسمی امامت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، انسان های سلیم النفس و پاکی که فطرت های الهی و ولایی داشتند، سخن و حیانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره جانشینی امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به عنوان اندیشه ای دینی و باوری الهی، در ذهن و دل خویش تثبیت کردند و با بیعت صادقانه با حضرت علی (علیه السلام) و پذیرش ولایت و سرپرستی آن حضرت، در گروه غدیرباوران جای گرفتند. درحقیقت، غدیرباوران کسانی هستند که پیام غدیر را به روشنی دریافته اند و موانع درونی مانند کبر، کینه، نفاق و حسادت و نیز موانع تبلیغاتی بیرونی مخالفان ولایت و جبهه شیاطین، آن ها را از دریافت این پیام باز نداشته است. هرچند در طول تاریخ، شمار غدیرباوران اندک بوده است، همه آن ها شخصیت هایی تأثیرگذار و برجسته بوده اند.

از آنجاکه پیام غدیر، فقط به حوزه اعتقادی و قلبی محدود نمی شود و با حکومت و سیاست نیز مرتبط است، در کنار غدیرباوری، غدیریاوری نیز شرط دیگر دریافت کامل پیام غدیر است. غدیریاوران انسان هایی شجاع و زمان شناس و بابصیرت هستند که در یاری امیرالمؤمنین و

دیگر پیشوایان دین (علیهم السلام)، از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند و با بیعت با ائمه زمان خویش حاضرند از مال و جانشان برای تحقق اهداف والای نظام امامت بگذرند.

در دوره امیرالمؤمنین (علیه السلام)، غدیرباورانِ غدیریاور علاوه بر وجود مقدس حضرت زهرا (علیها السلام) و خاندان رسالت، افرادی مانند سلمان، ابوذر، مالک اشتر و عمار یاسر بودند؛ اما در مقاطع بعدی، باعظمت ترین و نام آورترین غدیرباوران در طول تاریخ، همان اصحاب سیدالشهداء (علیه السلام) بودند که در حرکتی حماسی و نهضتی ماندگار، با ارائه الگویی تمام عیار، غدیریآوری را در دفتر تاریخ ثبت کردند.

پس از آنان، همه مصلحان و مجاهدان و شهدای دوستدار اهل بیت (علیهم السلام) در طول تاریخ، از غدیرباوران و غدیریاوران هستند که برای دفاع از ولایت در میدان عمل قدم گذاشته و با تلاش برای ترویج حاکمیت مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، تا آخرین نفس فداکاری و جانفشانی کرده اند. از جمله ایشان می توان به شهدای راه فضیلت، یعنی علمای راستین و مجاهدان خستگی ناپذیر اشاره کرد که در دفاع علمی و عملی از ولایت، سنگ تمام گذاشته اند. این گروه وفادار همان کسانی اند که از دعای مستقیم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بهره مند می شوند؛ زیرا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در خطبه غدیریه فرمودند: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخذلْ مَنْ خَذَلَهُ.»⁽¹⁾ (خدایا، دوست بدار هرکه او را دوست بدارد و دشمن بدار هرکه او را دشمن بدارد و یاری کن هرکه او را یاری کند و واگذار هرکه او را واگذارد و دست از یاری اش بردارد!)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در جای جای خطبه غدیر، از غدیرباوران و غدیریاوران با تعبیر گوناگون یاد کرده اند:

ص: 27

1- محمدبن محمد مفید، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج 1، ص 176.

1. «فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَ بِهِ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا... مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ مُؤْمِنٌ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ.» (1)

(پس ای گروه مردم، بدانید که خداوند متعال علی بن ابی طالب را بر شما ولی و امام قرار داده است... هرکه با او مخالفت کند، ملعون است و هرکه از او پیروی کند، مشمول رحمت خداست و هرکه او را تصدیق کند و به او گوش بسپارد و از او اطاعت کند، مشمول غفران خداوند می شود. 2. «مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضْلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ وَ أَقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.» (2) (ای گروه مردم، او [یعنی علی (علیه السلام)] را برتری دهید که خدا او را برتر قرار داده است و او را بپذیرید که خدا او را [به امامت] منصوب کرده است.)

3. «لَا يُوَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيٌّ وَ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ.» (3) (ولایت علی (علیه السلام) را نمی پذیرد، مگر انسان باتقوا و به او ایمان نمی آورد، مگر مؤمن باخلاص.)

4. «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَ نَهَانِي وَ قَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَ نَهَيْتُهُ وَ عَلَيْهِ الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ مِنْ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ فَاسْتَمْعُوا لِأَمْرِهِ وَ انْتَهُوا لِنَهْيِهِ وَ صِيَرُوا إِلَيَّ مُرَادِهِ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السَّبِيلُ عَنْ سَبِيلِهِ.» (4) (ای مردم، همانا خداوند به من امر و نهی کرده است و من نیز علی را امر و نهی کرده ام و بر علی است که از جانب خدای عز و جل فرمان دهد و باز دارد؛ پس فرمانش را گوش داده و از نهی او باز ایستید و طبق خواسته او حرکت کنید و راه های گوناگون، شما را از پیمودن راه او باز ندارد و پراکنده نکند.)

ص: 28

1- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 59.

2- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 60؛ محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج 1، ص 93.

3- علی بن موسی بن طاووس، التحصین لأسرار ما زاد من اخبار کتاب الیقین، ص 585.

4- محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج 1، ص 96؛ احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 62.

5. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ الْمُؤْمِنُونَ فَقَالَ { لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ } (1)» (2) (و همانا دوستداران ایشان [یعنی آنان که اهل بیت (علیهم السلام) را دوست دارند] همان مؤمنانی هستند که خداوند در کتاب خود، از آنان یاد کرده و فرموده است: «[ای رسول] هرگز گروهی را که به خدا و روز قیامت ایمان آورده اند، نخواهی یافت که با دشمنان خدا و رسول او دوستی کنند.»

6. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ { يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ... بِغَيْرِ حِسَابٍ } (3)» (4) (همانا دوستداران ایشان [یعنی آنان که اهل بیت (علیهم السلام) را دوست دارند] کسانی هستند که خدای عزّ و جلّ درباره آنان فرموده است: «بدون حساب وارد بهشت می شوند.»)

ص: 29

1- مجادله، 22.

2- محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج 1، ص 96.

3- غافر، 40.

4- محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج 1، ص 96 و 97؛ احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 63.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره اهمیت واقعه غدیر و رسالت مردم در قبال آن فرمودند: «فَلْيُبَلِّغِ الْغَائِبِ وَالْوَالِدِ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (1)

(پس باید تا روز قیامت [این پیام را] حاضر به غایب و پدر به فرزند برساند.) مراد از غدیریان، آن دسته از دریافت کنندگان پیام غدیرند که این حقیقت ماندگار را با جان و دل پذیرفته اند؛ یعنی علی باوران علی یاور و طرف داران نظام شایسته امامت و ولایت که به اهل بیت (علیهم السلام) و مکتب آسمانی ایشان وفادارند. غدیریان به طور کلی دو رسالت تاریخی برعهده دارند:

اول. رسالت علمی و معرفتی

این رسالت که بیشتر ناظر به تلاش های علمی و معرفتی است، شامل چند حرکت می شود:

1. معرفت شناسی امام و نظام امامت و اعتقاد به جدایی ناپذیری دین از سیاست؛

ص: 30

2. معرفت شناسی غدیر به عنوان جریانی تاریخی؛

3. شناخت و شناساندن دلایل قرآنی و روایی واقعه غدیر، به ویژه خطبه غدیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)؛

4. رساندن پیام اصلی غدیر، یعنی کفر به طاغوت های زمانه و دفاع از دیانت آمیخته با سیاست پاک، به دیگران.

دوم. رسالت عملی

رسالت عملی غدیریان در ابعاد مختلف تعریف می شود و هر یک از این ابعاد، خود شامل چند وظیفه است که در زیر مجموعه آن بیان می شود:

1. رسالت فردی

الف. مطالعه دقیق واقعه غدیر و خطبه غدیره؛

ب. تلاش برای اجرای پیام غدیر در زندگی شخصی، با برگزیدن سبک زندگی علوی؛

ج. بزرگداشت واقعه غدیر در زندگی شخصی، با عطرزدن، استفاده از لباس نو، ابراز شادی و... در این روز؛

ه. نوشتن کتاب و مقاله و سرودن شعر و خلق آثار هنری متناسب با واقعه غدیر؛

و. مطالعه و نشر فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و دیگر پیشوایان معصوم (علیهم السلام).

2. رسالت خانوادگی

الف. ابلاغ پیام غدیر به اعضای خانواده؛

ص: 31

ب. بزرگداشت عید سعید غدیر در میان خانواده و خویشان، با برپایی جشن های خانوادگی به این مناسبت و شادکردن اطرافیان با اهدای هدیه، اطعام، چراغانی و آذین بندی و خواندن عقد اُخوّت.

3. رسالت اجتماعی

الف. برپایی جشن های باشکوه عید سعید غدیر در سطح جامعه؛

ب. شادکردن عموم مردم با اجرای برنامه هایی چون اطعام و آذین بندی خیابان ها و اهدای هدیه به ویژه کتاب هایی درباره واقعه غدیر به دیگران؛

ج. تبلیغ و فرهنگ سازی عمومی برای شناخت پیام واقعه غدیر؛

د. تلاش عملی برای حاکمیت بخشی احکام اسلام؛

ه. تقویت روحیه انتظار و استغاثه برای تعجیل در ظهور حضرت ولیّ عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تشکیل حکومت جهانی امامت؛

و. دفاع عملی از حاکمیت نظام ولایت فقیه و حکومت های عادل در دوران غیبت.

ص: 32

پیام اصلی غدیر، روی کارآمدن دولتی با ساختار سیاسی ولایی و دینی، به رهبری امامانی معصوم است. از همان آغاز اعلام رسمی امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در غدیرخم، برای ازبین بردن این پیام الهی، مخالفت هایی آشکار و پنهان در ابعاد فرهنگی، تبلیغی، سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی شکل گرفت.

گام نخست غدیرستیزی، با غضب فدک، غضب 25 ساله خلافت، به شهادت رساندن حضرت زهرا (علیها السلام)، جلوگیری از نشر احادیث اهل بیت (علیهم السلام)، تحمیل سه جنگ خانمان سوز جمل و صفین و نهروان به امیرالمؤمنین (علیه السلام)، به شهادت رساندن امام مجتبی (علیه السلام) و سبب سازی برای فاجعه عاشورا و نسل کشی از ذریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شروع شد که نتیجه این دسیسه های دامنه دار، به قدرت رسیدن بنی امیه و بنی عباس و دیگر ناصالحان و حکومتشان بر امت اسلام شد.

غدیرستیزان در شکل های گوناگون و در قالب مکاتب فکری و گروه های سیاسی و اجتماعی و نظامی مختلف، اما با هدفی مشترک که همان سلب حق حاکمیت سیاسی اهل بیت (علیهم السلام) و حاکمانی عادل در عصر غیبت است، به رویارویی با نظام امامت پرداختند. قطعاً، این حرکت

و ستیز آن ها، برای امت اسلام با تأثیرات منفی و پیامدهای مخرب فراوانی همراه بوده است. در همین راستا، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در خطبه غدیریه، مخالفان امیرالمؤمنین (علیه السلام) و غدیرستیزان را به انواع بلاها و غضب الهی و عذاب های اخروی تهدید کرده اند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّهَهُ وَلَا يَنْفِرَ اللَّهُ لَهُ حَتْمًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا شَدِيدًا نَكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ. (1)

ای گروه مردم، او از جانب خدا امام است و خدا توبه منکر ولایت او را نمی پذیرد و به یقین چنین کسی را نمی آمرزد و بر خداست که این گونه رفتار کند با کسی که با دستورش درباره علی مخالفت کند و بر خداست که به شدت و تا ابد، چنین کسی را عذاب کند؛ پس از مخالفت با علی دوری کنید!

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضَلُّوا عَلِيًّا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْتِي بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُوَافِقْهُ... فَ {لَتَنْظُرَنَّ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ} (2) أَنْ تُخَالِفُوهُ {فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا} (3) {إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ} (4). (5)

...مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ {يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُبْصَرُونَ} مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ وَ أَنَا بَرِينَانِ مِنْهُمْ. (6)

ای گروه مردم! علی را برتری دهید که او پس از من، از هر مرد و زنی برتر است. خداوند به واسطه ما روزی فرومی فرستد و خلق را باقی می دارد. نفرین شده است، نفرین شده است، مغضوب

ص: 34

1- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 60.

2- حشر، 18.

3- نحل، 94.

4- حشر، 18.

5- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 60.

6- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 62.

است، مغضوب است هرکه این گفتار مراد کند و با آن موافقت نکند!... پس «هرکه بنگرد که برای فردای قیامتش چه چیزی از پیش فرستاده است و از خدا بترسید» که با او [یعنی علی (علیه السلام)] مخالفت کنید. چه بسا قدم هایی که پس از استواری بلغزد؛ (به درستی که خداوند به آنچه می کنید، آگاه است).

...ای مردم، به زودی پس از من پیشوایانی خواهند آمد که (به سوی آتش دعوت می کنند و اینان در روز قیامت، هیچ کمکی دریافت نخواهند کرد.) ای مردم، خدا و من از اینان بیزاریم.

بر اساس پژوهشی تاریخی، غدیرستیزان در طول تاریخ، بیشتر دو گروه عمده بوده اند:

1. منافقین منصب طلب

در سخنی کوتاه می توان همه جریان غدیرستیزی و غدیرستیزان را در واژه «نفاق» خلاصه کرد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در خطبه غدیریه، بارها و بارها، به موضوع شوم نفاق و منافقان اشاره کرده و خطر این جریان ضد دین را به امت گوشزد کرده اند:

سَأَلْتُ جَبْرِيْلَ أَنْ يَسَّ تَعْفَى لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَالِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِي بِقَلْبِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَإِذْغَالِ الْآثِمِينَ وَخُتْلِ الْمُسَّةِّ تَهْزِيئِينَ بِالْإِسْلَامِ الَّذِينَ وَصَّ فَهْمُ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ { يَقُولُونَ بِالْسِّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ } (1) وَيَحْسَبُونَهُ { هَيْبًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ } (2) وَكَثْرَهُ أَذَاهُمْ لِي فِي غَيْرِ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَّوْنِي أُذُنًا وَزَعَمُوا أَنِّي كَذَالِكَ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِيَّايَ وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ حَتَّى

ص: 35

1- فتح، 11.

2- نور، 15.

أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ قُرْآنًا { وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ قُلُّ أَذُنٌ } (1) عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أَذُنٌ { خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ
لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةً

لِلَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ } (2) وَ لَوْ شِئْنَا أَنْ نُسَمِّيَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُمْ وَ أَنْ أُوْمِيَ إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لَأُوْمَأْتُمْ وَ أَنْ أَدُلَّ عَلَيْهِمْ
لَدَلَلْتُمْ وَ لَكِنِّي وَ اللَّهُ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكْرَّمْتُ وَ كُلَّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ ثُمَّ تَلَا (صلى الله عليه و آله و سلم): { يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ
مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ } فِي عَلِيٍّ { وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ } (3). (4)

در ابتدای امر از جبرئیل خواستم که مرا از ابلاغ این پیام به شما مردم معذور بدارد؛ [زیرا] از کمی تقوای پیشگان و زیادی منافقان و نیرنگ گناهکاران و فریب
مسخره کنندگان اسلام آگاه بودم؛ همان ها که خداوند در کتابش وصفشان کرده است و می فرماید: «با زبان هایشان چیزی می گویند که در دل هایشان
نیست» و می پنداشتند «آن سخنی کوچک است؛ در حالی که نزد خداوند، عظیم است» و [نه یک بار، بلکه] همواره مرا بسیار می آزرند و شدت آزارم را به
آنجا رساندند که مرا { أَذُنٌ } (زودباور) نامیدند و گمان کردند، به علت همراهی زیاد علی با من و عنایت من به او، این چنین هستم؛ تا اینکه خداوند عزَّ و جل
این آیه را نازل فرمود: «و از ایشان کسانی هستند که پیامبر را می آزارند و می گویند: او حرف شنو زودباور است. بگو: زورباوری او برای شما نیکو و به
نفعتان است. [بدانید] او به خدا ایمان دارد و

ص: 36

1- توبه، 61.

2- توبه، 61.

3- مانده، 67.

4- احمدین علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 59.

[فقط] مؤمنان را تصدیق می کند و برای کسانی از شما که ایمان آورده اند، رحمت است و آن ها که رسول خدا را آزار می دهند، عذاب دردناکی دارند!»

اگر بخواهم، می توانم از یکایک این افراد نام ببرم و به آن ها اشاره کرده و خصوصیات کاملشان را بیان کنم؛ ولی به خدا قسم، درباره آن ها بزرگواری می کنم. با این همه، خدا از من راضی نمی شود؛ مگر آنچه به من وحی کرده است را برسانم؛ سپس این آیه را خواند: «ای پیامبر، برسان آنچه را [درباره علی بن ابی طالب] از سوی پروردگارت به تو نازل شده است که اگر این کار را نکنی، رسالتش را ابلاغ نکرده ای و [پروا نکن که] خدا تو را از [فتنه و گزند] مردم حفظ می کند.»

2. قائلین به جدایی سیاست از دیانت

اشاره

رگه های فکری این گروه که همان مقدّسین انزواطلب و روشن فکران راحت طلب هستند و در طول تاریخ، پرچم ستیز با غدیر را برافراشته اند، امروزه در میان اهل سنت و شیعه دیده می شود. این افراد که سیاست و دیانت را دو موضوع جدا از هم می پندارند و می کوشند دین را در چهارچوب موضوعی شخصی محدود کنند، خود دو دسته اند:

الف. جریان‌ی از اهل سنت

اولین ندای شوم جدایی سیاست از دیانت در صدر اسلام، با شعار: «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»⁽¹⁾ و حذف اهل بیت و عترت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از صحفه

ص: 37

1- (کتاب خدا [یعنی قرآن] برای ما کافی است) (محمدبن محمد مفید، کتاب الامالی، ص 36).

سیاست و حاکمیت جامعه، همراه بود. این ندای شیطانی، به تشکیل جریان‌های سیاسی به نام خلافت منجر شد که در برابر نظام امامت قرار گرفت و زمینه ساز شکل‌گیری حکومت امویان و عباسیان در بستر تاریخ شد. امام خمینی (قدس سره) در این باره فرموده‌اند:

طرح مسئله جدابودن سیاست از [دین و] روحانیت، چیز تازه‌ای نیست. این مسئله در زمان بنی امیه طرح شد و در زمان بنی عباس قوت گرفت. در این زمان‌های اخیر هم که دست‌های بیگانه در ممالک باز شد، آن‌ها هم به این مسئله دامن زدند؛ به طوری که مع الاسف، بعضی از اشخاص متدین و روحانیون متعهد هم باورش‌شان آمده است! (1)

ب. جریان‌های درون شیعه

در میان شیعیان هم دو گروه، فریب شعار جدایی سیاست از دین را خورده‌اند: 1. مقدسین و عارف مسلکان؛ 2. روشن فکران لیبرال. امام خمینی (قدس سره) در تبیین تفکر انحرافی این افراد فرموده‌اند:

خیال کردند یک دسته زیادی که معنای عرفان عبارت از این است که انسان یک محلی پیدا بشود و یک ذکر بگوید و یک سری حرکت بدهد و یک رقصی بکند و این‌ها! این معنای عرفان است؟! مرتبه اعلای عرفان را امام علی (سلام الله علیه) داشته است و هیچ، این چیزها نبوده در کار. خیال می‌کردند که کسی که عارف است، باید دیگر به کلی کناره‌گیر از همه چیز و برود کنار بنشیند و یک قدری ذکر بگوید و یک قدری تغنی بشود و

ص: 38

1- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، روحانیت و حوزه‌های علمیه از دیدگاه امام خمینی (س)، ص 291.

یک قدری چه بکنند و دُکانداری! امیرالمؤمنین در عین حالی که «أعرف خلق الله بعد از رسول الله» در این امت، «أعرف خلق الله به حق تعالی» بود، مع ذلک نرفت کنار بنشینند و هیچ کاری به هیچی نداشته باشد! هیچ وقت هم حلقه ذکر نداشت. مشغول بود به کارهایش؛ ولی آن هم بود. یا [گاهی] خیال می شود که کسی که اهل سلوک است، اهل سلوک باید به مردم دیگر کار نداشته باشد: در شهر هرچه می خواهد بگذرد [، بگذرد]! من اهل سلوکم، بروم یک گوشه ای بنشینم و ورد بگویم و سلوک به قول خودش پیدا کند. این سلوک در انبیا زیادتر از دیگران بوده است، در اولیا زیادتر از دیگران بوده است؛ لکن نرفتند توی خانه شان بنشینند و بگویند که ما اهل سلوکیم و چه کار داریم که به ملت چه می گذرد [و] هرکه هرکاری می خواهد، بکنند!

اگر بنا باشد که اهل سلوک بروند کنار بنشینند؛ پس باید انبیا هم همین کار را بکنند و نکردند. موسی بن عمران اهل سلوک بود؛ ولی مع ذلک رفت سراغ فرعون و آن کارها را کرد. ابراهیم هم همین طور، رسول خدا هم که همه می دانیم: رسول خدایی که سال های طولانی در سلوک بوده است، وقتی که فرصت پیدا کرد، یک حکومت سیاسی ایجاد کرد؛ برای اینکه عدالت ایجاد بشود. تبع ایجاد عدالت، فرصت پیدا می شود برای اینکه هرکس، هرچیزی دارد، بیاورد. وقتی که آشفته است، نمی توانند. در یک محیط آشفته نمی شود که اهل عرفان عرفانشان را عرضه کنند، اهل فلسفه فلسفه شان را، اهل فقه فقه شان را؛ لکن وقتی حکومت، یک حکومت عدل الهی شد و عدالت را جاری کرد و نگذاشت که فرصت طلب ها به مقاصد خودشان برسند،

یک محیط آرام پیدا می شود [و] در این محیط آرام، همه چیز پیدا می شود؛ ... به هیچ چیز مثل این امر سیاسی دعوت نشده است و این امر سیاسی بوده است: زمان پیغمبر بوده است، زمان امیرالمؤمنین بوده است، بعدها هم اگر یک فرصت پیدا می شد، آن ها هم داشتند این معنا را.

انحرافات زیاد شده است. بعضی از اهل علم خودمان هم همین معانی را دارند: «لباس جُندی حرام است: لباس شهرت است [و] به عدالت مضر است.» حضرت امیر عادل نبوده [است]؟ حضرت سیدالشهدا هم عادل نبوده [است]؟ حضرت امام حسن هم عادل نبوده [است]؟ پیغمبر اکرم هم عادل نبوده [است]؟ برای اینکه لباس جُندی داشتند! این ها را تزریق کردند به ما. به ما آن طور دست های توطئه گر تزریق کردند که ماها هم باورمان آمده است. [مثلاً می گویند:] تو چه کار داری به اینکه چه می گذرد! تو مشغول درست باش! تو مشغول فقه ات باش! تو مشغول فلسفه ات باش! تو مشغول عرفانت باش! چه کار داری که چه می گذرد! در آن وقت، اوایلی که این مسائل پیش می آمد، یکی از رفقای ما که بسیار خوب بود، بسیار مرد صالحی بود و اهل کار هم بود؛ لکن من وقتی یک قضیه را صحبت کردم که در این قضیه ما باید تحقیق کنیم، گفت: «به ما چه کار دارد؟ حاصل امر سیاسی است. به ما چه کار دارد!» این طور تزریق شده بود که یک مرد عالم روشن فکر متوجه به مسائل، این طور می گوید که به ما چه کار دارد. پیغمبر هم می گفت سیاست به ما چه کار دارد؟ امیرالمؤمنین هم که حکومت داشت، ... حکومتی داشت برای ذکرگفتن و برای قرآن خواندن و برای نماز خواندن

و همین دیگر؟! حکومت بود، ولایت بود و تجهیز جیوش (1) بود. عرض می کنم حکومت ها در نصب کردن این ها بود. همهاش سیاست است این ها.

آنی که می گوید که آخوند چه کار دارد به سیاست، آنی که با آخوند خوب نیست، این با اسلام بد است. می خواهد آخوند را کنار بگذارد که می تواند یک کاری توی مردم انجام بدهد و [در نتیجه، خودشان] هرکاری دلشان می خواهد، بکنند و لهذا این طور شد؛ البته علمای ما در طول تاریخ، این طور نبود [ه است] که منعزل از سیاست باشند. مسئله مشروطیت، یک مسئله سیاسی بود و بزرگان علمای ما در آن دخالت داشتند [و] تأسیس کردند. مسئله تحریم تنباکو یک مسئله سیاسی بود و میرزای شیرازی (رحمه الله) این معنا را انجام داد. در زمان های اخیر هم مدرس، کاشانی، این ها مردم سیاسی بودند و مشغول کار بودند؛ اما به قدری قدرت داشت این دست قوی توطئه گر که نمی شد از فکر حتی اهل علم محترم هم بیرون کرد به اینکه نه، مسئله این طور نیست. (2)

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) نیز در این باره فرموده اند:

خیلی از اوقات، اتفاق می افتاد که کسانی در جامعه، در جامعه زمان خلفا، اهل زهد بودند و اهل علم بودند و معروف به تفسیر و به علم و به این چیزها. خلفا هم با آن ها نه فقط معارضه ای نمی کردند، بلکه حتی مخلص آن ها بودند، اظهار ارادت نسبت به آن ها می کردند، پیش آن ها می رفتند، از آن ها نصیحت

ص: 41

1- تجهیز لشکرها.

2- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج 20، ص 116 تا 118، به نقل از: نرم افزار صحیفه امام، نسخه 3.

می خواستند. چرا؟ چون آن‌ها در مقابل خلفا داعیه سیاسی نداشتند. امثال حسن بصری و ابن سُبْرُمه و یا عمرو بن عبید، این بزرگان از علمایی که مورد توجه و قبول خلفا بودند، این‌ها کسانی بودند که ادعای علم و ادعای زهد و ادعای معنویت و ادعای تفسیر و ادعای علوم پیغمبر و همه این ادعاها را داشتند؛ اما نسبت به آن‌ها هیچ‌گونه از طرف خلفا تعرضی نبود. چرا؟ چون داعیه قدرت سیاسی وجود نداشت. (1)

حضرت آیت الله جوادی آملی (حفظه الله تعالی) در تفسیر زیارت جامعه کبیره و ذیل عبارت «و سَأَسْأَلُ الْعِبَادَ» (2) فرموده اند:

شعار شوم «جدایی دین از سیاست» ساخته نیرنگ سیاسیون سیاسی کارِ دغل باز و پرداخته جمود و جهل تسبیح به دستان عافیت طلب و روشن فکر نمایان غافل، وابسته یا غیروابسته است؛ وگرنه هیچ سیاست مدار حکیمی، سیاست را از دین جدا نمی داند؛ بلکه آن‌ها را کاملاً به هم پیوسته و مرتبط می شمرد. سیاسیون هوامدار و هوس پرست در راستای اعمال سلطه سیاسی و حاکمیت فکری و فرهنگی خود، برای مقابله با ادیان حقیقی که نسبت به سلطه گران حالت پرخاشگری و تهاجم دارند، اقدام به دین سازی، مذهب تراشی و انحراف ادیان راستین الهی با نام قرائت جدید و امثال آن می کنند و در این راه، همّت می گمارند و از آن، به عنوان زمینه ساز حضور فکری و سیاسی سلطه گران خود استفاده می کنند.

ص: 42

1- مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی صهبا، انسان 250 ساله (بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی مبارزاتی ائمه معصومین (علیهم السلام))، ص 24.

2- محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج 6، ص 96.

اسلام آمریکایی و مسیحیت آمریکایی (1) نمونه تحریف ادیان [است و] بهائیت در عالم شیعه و وهابیت در دنیای تسنن، نمونه های مذهب تراشی است. از یک سو غداره بندان سیاسی کار، خنجر را از رو بسته و مسلح به انواع سلاح های سیاسی، فکری، فرهنگی، نظامی، اقتصادی و... در پناه آتش تهیه فراهم آمده از مساعدت، همکاری و هم فکری عافیت طلبان و روشن فکر نمایان داخلی و با استفاده از غفلت و خواب آلودگی ملت ها، حمله گسترده، فراگیر و همه جانبه خود را برای درهم ریختن بنیادهای دینی و اعتقادی جبهه متدینان ودین باوران آغاز کرده، به افساد و اهلک حرث و نسل پرداخته اند. از دیگر سو [نیز] عده ای با اعلام آتش بس یک طرفه، سلاح بر زمین نهاده، دست ها را بالا گرفتند و عملا تسلیم بیگانه شده اند.

...از سوی سوم، گروهی با تهاجم فرهنگی، قدح منحرفانه زیرکان و عده ای با دل بستگی به مدح منحرفانه [و مبالغه آمیز و ناآگاهانه] غافلان، صحنه فرهنگ ناب را رها کرده و میدان سباق و محاوره و مناظره علمی را ترک گفتند. این ها نه تنها سلاح هجوم به بیگانه را به دست نگرفته اند، بلکه سلاح دفاع از خود را نیز زمین نهادند [و] در مقابل، قلم غفلت یا تسبیح تحجر به دست گرفته، لباس رزم را در آورده، لباس عافیت کاذب که در واقع ثوب مذلت است، به تن کرده اند. [این ها] آیه: {وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ

ص: 43

1- هما نگونه که امام راحل عظیم الشان قدس سره با قیام و اقدام خود، مسلمانان را از شر اسلام آمریکایی خاص و با دم روح اللّهی خود، اسلام ناب محمدی (ص) را احیا و به دنیا معرفی کرد، مسیحیت راستین عیسی بن مریم علیها السلام نیز احتیاج به روح اللّهی دارد که با دم عیسوی خود، دنیای غرب را از فتنه و فساد مسیحیت محرف و منحرف آمریکایی نجات بخشد و مسیحیت ناب عیسوی را به جهانیان بشناساند.

عَدُوِّكُمْ} (1) و امثال آن را فراموش کرده، به اذکار و اوراد شخصی که هیچ کس ترس و واهمه ای از آن ندارد، روی آورده اند و برخی نیز با بیان و بنانشان، شعارهای انحرافی و بیگانه از فرهنگ اسلام را تکرار می کنند و خلاصه به جای حل مسئله، صورت مسئله را پاک کرده اند.

هر دو گروه، باید جواب بدهند. عهدنامه مالک اشتر نخعی که حَقّاً اصول سیاسی اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) و علوی است، با نغمه ناموزون جدایی دین از سیاست، چگونه قابل جمع است؟ چطور می توان اقدام رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برای تشکیل حکومت اسلامی در اولین فرصت ممکن پس از هجرت و تلاش امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای تصدی امر خلافت پس از رحلت آن حضرت را دید و تصویر صحیحی از اسلام منهای سیاست ارائه داد؟! (2)

ص: 44

1- انفال، 60.

2- عبدالله جوادی آملی، ادب؛ فنای مقربان، ج 1، ص 260 و 261.

حکومت ولیّ فقیه؛ استمرار جریان غدیر در دوران غیبت

به استناد خطبه غدیریّه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، مهم ترین و اصلی ترین پیام این خطبه، پیام سیاسی آن، یعنی دولت سازی با محوریت نظام امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فرزندان معصوم ایشان (علیهم السلام) و پذیرش ولایت و حکومت عادلانه آن هاست.

تمزّد و سرپیچی تاریخی از غدیر، سبب حاکمیت بیگانگان بر سرنوشت اسلام و مسلمین یا حاکمیت اسلام غیرولایی و حکومت ظالمانه حاکمانی غاصب و فاسد شد که این راه شوم و تاریک، در پایان دوره امامت امام یازدهم، به غیبت دوازدهمین پیشوای آسمانی انجامید.

دوران غیبت، دورانی بسیار پراکنده و پرفتنه و طاقت فرساست؛ اما فرزندان غدیر برای انجام حداقل وظایف خود در برابر غدیر و اعلام آمادگی به منظور برپایی دولت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) لازم است ضمن زمینه سازی اجتماعی برای ظهور، با مجاهدتی خستگی ناپذیر برای تحقق و یاری حاکمیت و حکومت ولیّ فقیه همت گمارند تا در حدّ توان و استطاعت، به پیام واقعه غدیر جامه عمل پوشانیده شود.

امام مهدی (علیه السلام) فرموده اند: «... وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.»⁽¹⁾

ص: 45

1- محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 484.

(... و درباره [حکم] پیشامدهای تازه به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آن‌ها حجت من بر شما نیستند و من حجت خدا بر آن‌ها). امروزه بزرگ‌ترین مشکل مسلمانان و شیعیان که سبب سرگردانی آن‌ها شده است، مسئله حاکمیت و حکومت و تسلط دشمنان دین بر ذهن و دل و منابع مادی و معنوی جهان اسلام است؛ از این رو، لازم است همگی برای خنثی‌سازی تحرکات و دسیسه‌های دشمنان و اجرای شایسته قوانین اسلام، از نظام ولایت فقیه پشتیبانی کنیم. امید است از این رهگذر بتوانیم خود و جامعه خویش را در مقام عمل، در طومار دریافت‌کنندگان پیام غدیر قرار دهیم و زمینه‌های ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را برای اجرای هدف نهایی غدیر، یعنی تشکیل حکومت جهانی با محوریت امام معصوم (علیه السلام) فراهم سازیم.

امام خمینی (قدس سره) در این زمینه فرموده اند:

... بعد از رسول اکرم کسی افضل از او در هیچ معنایی نیست و نخواهد بود؛ لکن در مراتب بعد هم که باید این امت هدایت بشود، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که از دنیا می‌خواست تشریف ببرد، تعیین‌جانشین و جانشین‌ها را تا زمان غیبت کرد و همان جانشین‌ها تعیین امام امت را هم کردند [و] به طور کلی این امت را به خود واگذاشتند که متحیر باشند: برای آن‌ها امام تعیین کردند، رهبر تعیین کردند. تا ائمه هدی (سلام الله علیهم) بودند، آن‌ها بودند و بعد فقها: آن‌هایی که متعهدند، آن‌هایی که اسلام شناس اند، آن‌هایی که زهد دارند [و] زاهدند، آن‌هایی که اعراض از دنیا دارند، آن‌هایی که توجه به زرق و برق دنیا ندارند، آن‌هایی که دلسوز [ند] برای ملت [و] آن‌هایی که ملت را مثل فرزندان خودشان می‌دانند، آن‌ها را تعیین کردند برای پاسداری از این امت. (1)

ص: 46

1- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج 11، ص 22، به نقل از: نرم افزار صحیفه امام، نسخه 3.

همین بزرگوار برای دفع توهم شبهه افکنان در هم طرازی ولّی فقیه با معصوم (علیه السلام)، ضمن تفکیک عالمانه این دو موضوع، در نظریه ولایت فقیه فرموده اند:

وقتی می‌گوییم ولایتی را که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه (علیهم السلام) داشتند، بعد از غیبت، فقیه عادل دارد، برای هیچ کس این توهم نباید پیدا شود که مقام فقها همان مقام ائمه (علیهم السلام) و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است؛ زیرا اینجا صحبت از مقام نیست؛ بلکه صحبت از وظیفه است. ولایت یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس، یک وظیفه سنگین و مهم است؛ نه اینکه برای کسی شأن و مقام غیرعادی به وجود بیاورد و او را از حدّ انسان عادی بالاتر ببرد. به عبارت دیگر، ولایت مورد بحث، یعنی حکومت و اجرا و اداره، برخلاف تصویری که خیلی از افراد دارند، امتیاز نیست؛ بلکه وظیفه ای خطیر است. از امور اعتباری عقلایی است و واقعیتهای جز جعل ندارد، مانند جعل قیم برای صغار. قیم ملت با قیم صغار، از لحاظ وظیفه و موقعیت هیچ فرقی ندارد. مثل این است که امام (علیه السلام) کسی را برای حضانت، حکومت یا منصبی از مناصب تعیین کند. در این موارد، معقول نیست که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام با فقیه فرق داشته باشد.

مثلاً یکی از اموری که فقیه متصدی ولایت آن است، اجرای حدود است. آیا در اجرای حدود، بین رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام و فقیه امتیازی است یا چون رتبه فقیه پایین تر است، باید کمتر بزند؟ حدّ زانی که صد تازیانه است، اگر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) جاری کند، 150 تازیانه می‌زند و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) صد تازیانه و فقیه، پنجاه تازیانه؟ یا اینکه حاکم، متصدی قوه اجراییه

است و باید حدّ خدا را جاری کند؛ چه رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد و چه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) یا نماینده و قاضی آن حضرت در بصره و کوفه یا فقیه عصر. دیگر از شئون رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امیر (علیه السلام) اخذ مالیات، خمس، زکات، جزیه و خراج اراضی خراجیه (1) است. آیا رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اگر زکات بگیرد، چقدر می گیرد؟ از یک جا، ده یک و از یک جا، بیست یک [می گیرد]؟ حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) [که] خلیفه شدند، چه می کنند؟ جناب عالی [که] فقیه عصر و نافذالکلمه شدید، چطور؟! آیا در این امور، ولایت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با [ولایت] حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فقیه فرق دارد؟

خداوند متعال رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را «ولّی» همه مسلمانان قرار داده [است] و تا وقتی آن حضرت باشند، حتی بر حضرت امیر (علیه السلام) ولایت دارند. پس از آن حضرت، امام بر همه مسلمانان و حتی بر امام بعد از خود، ولایت دارد؛ یعنی اوامر حکومتی او درباره همه نافذ و جاری است و می تواند قاضی و والی نصب و عزل کند. همین ولایتی که برای رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام در تشکیل حکومت و اجرا و تصدی اداره هست، برای فقیه هم هست... در این معنا، مراتب و درجات نیست که یکی در مرتبه بالاتر و دیگری در مرتبه پایین تر باشد؛ [به این معنا که] یکی والی و دیگری والی تر باشد. (2)

ص: 48

1- اراضی خراجیه یا زمین های خراجی به زمین های آباد گفته می شود که مسلمانان به فرمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) یا امام معصوم (علیه السلام)، آن را فتح کرده باشند. این نوع زمین ها به تمام مسلمین تعلق دارد و خرید و فروش آن ممنوع است. حکومت اسلامی آن ها را واگذار می کند و در برابر استفاده از آن، مالی دریافت می کند که به آن خراج می گویند.

2- سیدروح الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، ص 50 و 51.

در نگاه شیعه و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) نبوت و همه آرمان‌ها و مشخصه‌ها و امتیازهایش، البته به استثنای وحی تشریحی آن، در امام و نظام امامت، استقرار و تجلی یافته است. امامان معصوم (علیهم السلام) در فرهنگ تشیع، مانند پیامبر، سه شأن و مقام «دینی» و «قضایی» و «حکومتی و اجرایی» دارند و همان گونه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در مدینه، در هر سه عرصه گفته شده، ولایت و اختیارات کامل داشتند، امامان و خلفای صالح پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز از این سه شأن پیامبرانه برخوردارند. به همین دلیل و بر اساس پیام غدیر، شیعه اصرار دارد که حق حاکمیت سیاسی مشروع و الهی امام را تثبیت کند تا امام در کنار امور دینی و عبادی، به حق حاکمیت و دولتی سازی و استقرار نظامی سیاسی و الهی دست یابد و بتواند احکام دین را در بستر جامعه و جهان جاری کند؛ البته این مهم، وظیفه ای دینی برای امامان معصوم (علیهم السلام) و پیروان آن هاست. غدیر خم طلیعه نظام ولایی پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و تبیین کننده اندیشه سیاسی و راهبرد اسلام ناب محمدی برای همیشه تاریخ و

تا قیام قیامت است؛ چنان که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در خطبه غدیر فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوِرَاثَةً فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَقَدْ بَلَّغْتُ مَا بَلَّغْتُ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وَلَمْ يُؤَلِّدْ فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (1)

ای گروه مردم، همانا من آن [یعنی ولایت] را به صورت امامت و وراثت تا روز قیامت در ذریه خودم به ودیعه می سپارم و به تحقیق آنچه را باید تبلیغ کنم، تبلیغ کردم و این حجت است برای هر حاضر و غایب و بر هرکس شاهد بوده یا شاهد نبوده است و هنوز متولد نشده است؛ پس شاهدان به غایبان برسانند و پدران به فرزندان تا روز قیامت ابلاغ کنند.

چنان که پیش از این گفته شد، در برابر این اندیشه سیاسی، علاوه بر جریانات باطل خارج از اسلام، دو جریان منحرف درون اسلامی نیز وجود دارد:

1. اندیشه اسلام غیرسیاسی و دیانت بدون سیاست و اسلام غیرحکومتی: این اندیشه انحرافی، مربوط به متحجران، عارف مسلکان گوشه گیر، مقدس نماها، روشن فکران لیبرال و راحت طلبان است.

2. اندیشه اسلام سیاسی غیر معصومانه و پذیرش هر نوع حاکمیت و حاکمی بر سرنوشت اسلام و مسلمین: این دیدگاه مانند نظام خلافت در میان اهل سنت است و پذیرش چنین تفکری، به پذیرش حاکمیت اسلام اموی و عباسی و در یک کلام، اسلام آمریکایی منجر می شود. اما بر مبنای طرح واره غدیرخم، مکتب اسلام و دین

ص: 50

1- محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج 1، ص 96.

اولاً برای اجرای حدود و احکام اسلامی، نظام اجرایی و سیاسی دارد و ثانیاً هر نوع حکومت و حاکمیتی را بر نمی‌تابد؛ بلکه حاکم باید معصوم بوده و در زمان غیبت امام معصوم نیز، حاکم باید عادل باشد. بر این مبنا، سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در عید غدیر خم که فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»⁽¹⁾

به معنای اثبات ولایت سیاسی و انتصاب امیرالمؤمنین علی و فرزندان معصوم ایشان (علیهم السلام) به مقام امامت و خلافت است، آن هم با تمام اختیارات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)؛ اما با کمال تأسّف، مخالفان ولایت، ولایت را در این کلام مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر معنای دیگر حمل کردند و گفتند: «مراد از ولایت و ولی در سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ولایت سیاسی و حکومتی و اجرایی نیست؛ بلکه منظور از آن ولاء، فقط حبّ است!»

در ردّ این شبهه و برداشت شیطنت آمیز، علامه امینی (رحمه الله) در جلد دوم کتاب ارزشمند الغدیر به سخن 42 نفر از پیشوایان علم لغت و عربی استناد کرده اند که بنا بر گفته همگی آن ها، مولا بر اثبات «ولاء» به معنای «أولی بالتّصرف» یا همان ولای سرپرستی و سیاسی دلالت دارد؛ اما علاوه بر استنادات لغوی، با ذکر پنج وجه می توان فهمید که منظور، ولای سیاسی است:

1. اگر منظور ولای محبت و دوستی باشد، پس دیگر نباید میان شیعه و سنی اختلافی باقی بماند؛ زیرا بسیاری از اهل سنت به جز ناصبی ها، محب اهل بیت (علیهم السلام) هستند؛ اما امتیاز شیعه نسبت به اهل سنت آن است که از دیدگاه شیعه، علاوه بر داشتن حبّ علی (علیه السلام) باید آن حضرت را به عنوان امام و خلیفه اول مسلمین پذیرفت.

2. اگر منظور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اعلام لزوم محبت و رزق به امیرالمؤمنین

ص: 51

1- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 60.

علی (علیه السلام) بود، هیچ دلیلی نداشت که برای این اعلام، از موقعیتی مانند حجه الوداع و حضور بیش از صد هزار نفری حاجیان در وادی غدیر خم استفاده کنند.

3. از آنجاکه ولایت تکمیل کننده رسالت است، فقط محبت و رزق به حضرت علی (علیه السلام) کامل کننده و تضمین کننده بقای دین نیست؛ بلکه پذیرش ولایت سیاسی علی (علیه السلام)، کامل کننده دین و رسالت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به شمار می رود و به همین دلیل، خداوند متعال خودداری از اعلام جانشینی امیرالمؤمنین (علیه السلام) را ناتمام گذاشتن وظیفه رسالت دانسته و فرموده است: {وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ} (1) (و اگر [اعلام ولایت امیرالمؤمنین را] به انجام نرسانی، رسالت الهی را ادا نکرده ای!)

4. همه اهل بیت (علیهم السلام) از امیرالمؤمنین علی و حضرت زهرا (علیها السلام) گرفته تا دیگر امامان (علیهم السلام)، در مواضع مختلف، برای اثبات حق حکومتی خویش و نه اثبات وجوب محبت دیگران به خود، به سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) استناد کرده اند که فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (2)

5. محبت اهل بیت (علیهم السلام) موضوعی درونی و قلبی است که غصب آن معنا ندارد؛ اما ولای سیاسی و حق حکومتی، امری خارجی است که امکان غصب آن وجود دارد و از آنجاکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره غصب این حق حکومتی اهل بیت (علیهم السلام) احساس خطر می کردند، ولایت و امامت امام علی (علیه السلام) را در حضور همه مردم، در غدیر خم به صورت رسمی اعلام کردند و با درخواست بیعت از مردم، به تثبیت حق حاکمیت سیاسی امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرداختند؛ ولی متأسفانه پس از آن، این حق از سوی ناهلان غصب شد.

ص: 52

1- مانده، 67.

2- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 60.

امام خمینی (قدس سره) که خود از دریافت کنندگان پیام غدیر بودند، در تبیین اینکه غدیر نقطه آغاز حرکت سیاسی مشروع در ساختار نظام امامت است، فرموده اند:

مسئله [غدیر]، مسئله حکومت است. مسئله، مسئله سیاست است، حکومت عدل⁽¹⁾ سیاست است، تمام معنای سیاست است. خدای تبارک و تعالی این حکومت را و این سیاست را امر کرد که پیغمبر به حضرت امیر واگذار کنند؛ چنان که خود رسول خدا سیاست داشت و حکومت بدون سیاست ممکن نیست! این سیاست و این حکومتی که عجین با سیاست است، در روز عید غدیر، برای حضرت امیر ثابت شد. اینکه در روایات هست که «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ»⁽²⁾ این ولایت، ولایت کلی امامت نیست. آن امامتی که هیچ عملی مقبول نیست [و] قبول نمی شود، آلا به اعتقاد به امامت، این معنایش این حکومت نیست.

خب، ما بسیاری از ائمه مان حکومت نداشتند. ما الان معتقدیم که حضرت امیر در یک برهه از زمان به حکومت رسید، حضرت امام حسن هم یک مدت بسیار بسیار کمی به حکومت رسید؛ [ولی] باقی ائمه حکومت نداشتند. آنچه خدای تبارک و تعالی جعل کرد و دنبالش هم برای ائمه هدی جعل شده است، حکومت است؛ لکن نگذاشتند که این حکومت ثمر پیدا بکند؛ بنابراین، حکومت را خدا جعل کرده است برای حضرت امیر (سلام الله علیه). این حکومت یعنی سیاست، یعنی عجین با سیاست. از اعوجاج هایی که پیدا شده است، مع الأسف این است که

ص: 53

1- برابر، همان.

2- محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج 2، ص 18.

یعنی اعوجاج زیاد پیدا شده [است]؛ اما بزرگ ترینش این است که دست هایی از زمان سابق، از زمان خلفای اموی و خلفای عباسی (علیهم لعنه الله)، از آن زمان، دست هایی پیدا شده است که بگویند که دین علی حده از مسائل است و سیاست علی حده از حکومت است. هرچه طرف پایین آمده است، این قوت گرفته است تا وقتی بازیگرهای دنیا که دیدند باید دین را یک چیز تعبدی قرار داد، این بازیگرها آمدند و این طور کردند و ماها هم باورمان آمده بود که دین چه کار دارد به سیاست؟ سیاست مال امپراتورها [است]. این معنایش این است که تخطئه کنیم خدا را و رسول خدا را و امیرالمؤمنین را؛ برای اینکه حکومت سیاست است. حکومت که دعاخواندن نیست، حکومت که نماز نیست، حکومت روزه نیست. حکومت [یعنی] حکومت عدل، اسباب این می شود که این ها اقامه بشود؛ اما خود حکومت، یک دستگاه سیاسی است. آن که می گوید دین از سیاست جداست، تکذیب خدا را کرده، تکذیب رسول خدا را کرده است، تکذیب ائمه هدی را کرده است. (1) فرموده این بزرگوار درباره اصلی ترین پیام غدیر، یعنی جدایی ناپذیری دین از سیاست و جریان همیشه جاری غدیر در بستر تاریخ بشر نیز شنیدنی است:

غدیر آمده است که بفهماند که سیاست به همه مربوط است [و] در هر عصری باید حکومتی باشد با سیاست؛ منتها سیاست عادلانه که بتواند به واسطه آن سیاست، اقامه صلاه کند، اقامه صوم کند، اقامه حج کند، اقامه همه معارف را بکند و راه را باز

ص: 54

1- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج 20، ص 113 و 114، به نقل از: نرم افزار صحیفه امام، نسخه 3.

بگذارد برای اینکه صاحب افکار، یعنی آرام کند که صاحب افکار، افکارشان را با دلگرمی و با آرامش ارائه بدهند.⁽¹⁾

حضرت امام (قدس سره) که نظریه سیاسی ولایت فقیه را برگرفته از غدیر خم می دانستند، در تبیین این موضوع چنین فرموده اند:

نظریه شیعه در مورد طرز حکومت و اینکه چه کسانی باید عهده دار آن شوند، در دوره رحلت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تا زمان غیبت واضح است. به موجب آن، امام باید فاضل و عالم به احکام و قوانین و در اجرای آن عادل باشد. اکنون که دوران غیبت امام (علیه السلام) پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می آید. ... اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز امر حکومت در دوره غیبت تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها کنید؟ دیگر اسلام نمی خواهیم؟ اسلام فقط برای دو بیست سال بود؟ یا اینکه اسلام تکلیف را معین کرده است؛ ولی تکلیف حکومتی نداریم؟ معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین از دست برود و ما با بی حالی، دست روی دست بگذاریم که هرکاری می خواهند، بکنند و ما اگر کارهای آن ها را امضا نکنیم، رد نمی کنیم! آیا باید این طور باشد یا اینکه حکومت لازم است و اگر خدا شخص معینی را برای حکومت در دوره غیبت تعیین نکرده است، لکن آن خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب موجود بود، برای بعد از غیبت هم قرار داده است؟ این خاصیت که عبارت از علم

ص: 55

1- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج 20، ص 115، به نقل از: نرم افزار صحیفه امام، نسخه 3.

به قانون و عدالت باشد، در عده بی شماری از فقهای عصر ما موجود است. اگر باهم اجتماع کنند، می توانند حکومت عدل عمومی [را] در عالم تشکیل دهند. اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت باشد، به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در امر اداره جامعه داشت، دارا می باشد و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند. (1)

امام امت (قدس سره) در بیانات خود، به موضوع زندانی شدن حقیقت غدیر در برهه ای از تاریخ و تلاش برای آزاد کردن این جریان اصیل و برخاسته از وحی و کلام نبوی نیز پرداخته اند:

...غدیر منحصر به آن زمان نیست. غدیر در همه اعصار باید باشد و روشی که حضرت امیر در این حکومت پیش گرفته است، باید روش ملت ها و دست اندرکاران باشد. قضیه غدیر، قضیه جعل حکومت است. این است که قابل نصب است؛ و الا مقامات معنوی قابل نصب نیست: یک چیزی نیست که با نصب، آن مقام پیدا بشود. (2)

رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) نیز در تبیین تفکر سیاسی اهل بیت (علیهم السلام) و تلاش ایشان برای تشکیل حکومت در طول تاریخ پس از غدیر خم و رویارویی حاکمان فاسد با امامان (علیهم السلام) فرموده اند:

تمام این نزاعی که شما در طول دوران زندگی ائمه (علیهم السلام) بین آن ها و دستگاه های ظلم و جور مشاهده می کنید، بر سر همین قضیه است. آن هایی که با ائمه ما مخالفت می کردند، آن ها را مسموم می کردند، مقتول می کردند، زندان می انداختند [و] محاصره

ص: 56

1- سیدروح الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، ص 48 و 49.

2- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج 20، ص 112 و 113، به نقل از: نرم افزار صحیفه امام، نسخه 3.

می کردند، دعوی‌شان بر سر داعیه حکومت ائمه (علیهم السلام) بود. اگر ائمه داعیه حکومت نداشتند، ولو علوم اولین و آخرین را هم به خودشان نسبت می دادند [و] اگر بحث قدرت سیاسی نبود، داعیه قدرت سیاسی نبود، هیچ گونه تعرضی نسبت به آن ها انجام نمی گرفت [یا] لااقل به این شدت انجام نمی گرفت؛ اصلاً مسئله این است! لذا شما می بینید در بین دعوت ها و تبلیغات ائمه (علیهم السلام) روی کلمه امامت و مسئله امامت حساسیت بسیار بالایی است؛ یعنی وقتی که امام صادق هم می خواهد ادعای حاکمیت اسلامی و قدرت سیاسی بکند، می گوید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ الْإِمَامَ»!... در اجتماع مردم در عرفات، می ایستد در میان مردم [و] می گوید: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ الْإِمَامَ». امام جامعه، پیشوای جامعه، رهبر جامعه، حاکم بر جامعه، رسول خدا بود، «ثُمَّ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ»⁽¹⁾ تا می رسد به خودش. یعنی تمام بحث ائمه با مخالفینشان و بحث اصحاب ائمه در مبارزاتشان، همین مسئله حکومت و حاکمیت و ولایت مطلقه و عامه بر مسلمین و قدرت سیاسی بود. بر سر مقامات معنوی، آن ها با ائمه دعوی نداشتند.⁽²⁾ ایشان در سخنی دیگر فرموده اند:

مسئله اصلی و اختلاف اصلی بین سردمداران قدرت، یعنی بنی عباس و بنی امیه و میان اهل بیت رسول خدا، مسئله امامت بود و مبارزه و درگیری و معارضا و سرکوب، ناشی از فکر ائمه (علیهم السلام) در باب امامت مسلمین بود. در دوران اخیر و به خصوص در دو قرن گذشته هم، در دنیای اسلام، مایه

ص: 57

1- محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج 4، ص 466.

2- مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی صهبا، انسان 250 ساله (بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی مبارزاتی ائمه معصومین (علیهم السلام))، ص 23.

اصلي نزع میان مسلمین و قدرت های استعمارگر، مسئله حکومت اسلامی است. (1)

این بزرگوار در بیان خواسته مشروع و تلاش ائمه طاهرين (عليهم السلام) در زمینه احقاق حق سياسي خویش فرموده اند:

آنچه که از روایات مربوط به زندگی ائمه (عليهم السلام) به دست می آید و شواهد زیادی بر آن وجود دارد، این است که ائمه (عليهم السلام) جداً می خواستند نظام اسلامی به وجود آورند. این کار، آن طور که تصور می شود، با علم و معرفت امام منافات ندارد. آن ها واقعاً می خواستند نظام الهی برقرار کنند. اگر برقرار می کردند، تقدیر الهی همان بود. تقدیر الهی و اندازه گیری ها در علم پروردگار، با شرایط گوناگون اختلاف پیدا می کند که حالا این موضوع را بحث نمی کنیم. اجمالاً در اینکه حرکت آن ها برای این مقصود بوده است، شکی نیست. ما امروز، به برکت آن نهضت و حفظ فرهنگ و روحیه آن نهضت، در جامعه خودمان این نظام را به وجود آورده ایم. (2)

ص: 58

1- مؤسسه فرهنگی هنری راه فخر الائمه (عليهم السلام)، ولایت فقیه؛ سایه حقیقت عظمی در بیان حضرت امام خمینی (قدس سره) و رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)، ج 2، ص ۴۴۴، به نقل از: کتابخانه دیجیتال سایت مؤسسه مطالعاتی صراط مبین.

2- بیانات در دیدار با اعضای جامعه روحانیت مبارز، در آستانه ماه محرم، 11 مرداد 1368.

غدیر خم؛ معرفی پیشوایی معصومانه به درازای تاریخ

غدیر خم علاوه بر آنکه روز معرفی امیرالمؤمنین (علیه السلام) به امامت و جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است، روز معرفی نظام امامت و جانشینان بعدی امام علی (علیه السلام) تا روز قیامت است و به دیگر سخن، سالروز برگزاری جشن امامت در تاریخ زندگی انسان هاست.

در خطبه غدیره، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در چندین موضع، با صراحت یا کنایه، از دیگر امامان، به ویژه حضرت مهدی (علیه السلام) یاد کرده اند تا جای هیچ شک و شبهه ای درباره اسم و رسم امامان بعد از امیرالمؤمنین (علیهم السلام) باقی نماند: 1. مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ وَ الْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ وَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُم مُّبِينٌ عَنْ صَاحِبِهِ مُوَافِقٌ لَهُ لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. (1)

ای گروه مردم، همانا علی و فرزندان پاکیزه من ثقل کوچک اند و قرآن ثقل بزرگ است و هریک از دیگری خبر می دهد و موافق با اوست و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا کنار حوض پیش من آیند.

ص: 59

1- محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج 1، ص 94.

2. مَعَاشِرَ النَّاسِ التَّوَرُّ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَسْلُوكٍ ثُمَّ فِي عَلِيٍّ ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا. (1)

ای مردم، نوری از سوی خداوند عزّ و جل در من نهاده شده است که پس از من، در علی و پس از او، در نسل اوست تا مهدی قائم: یعنی همان که حق خدا و حق هر مؤمنی را ادا خواهد کرد.

3. مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوِرَاثَةً فِي عَقِبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (2)

همانا من آن [یعنی ولایت] را به صورت امامت و وراثت تا روز قیامت در ذریه خودم به ودیعه می سپارم.

4. أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي ثُمَّ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةً {يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ} (3). (4)

همانا من صراط مستقیم خدایم که امر کرده است از آن پیروی کنید و پس از من، علی، سپس فرزندان من که از صلب اویند، امامانی هستند که به حق حکم می کنند و به آن عدالت می ورزند.

5. مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلِيٌّ وَصِيٌّ أَلَا إِنَّ خَاتِمَ الْأَيِّمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَ هَادِمُهَا أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنَ الشُّرَكِ أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ بَكُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ الْعَرَفُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ أَلَا إِنَّهُ يَسْمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ

ص: 60

1- [2] احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج 1، ص 61 و 62.

2- محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج 1، ص 96.

3- اعراف، 159 و 181.

4- محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج 1، ص 96.

بِفَضْلِهِ وَكُلِّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَ مُخْتَارُهُ أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنِ رَبِّهِ تَعَالَى وَ الْمُسَبِّهُ [الْمُسَيِّدُ] لِأَمْرِ إِيْمَانِهِ
أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوِّضُ إِلَيْهِ أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ مَعَهُ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ إِلَّا إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ
فِي أَرْضِهِ وَ حَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ. (1)

ای مردم، من پیامبر هستم و علی وصی من است. بدانید که خاتم امامان، مهدی قائم، از ماست. اوست که دین را آشکار می کند [یعنی در دین مسلط و قاهر است] و از ستمگران انتقام می گیرد. همانا او گشاینده و ویرانگر دژهاست و اوست که تمام فرقه های مشرکان را شکست می دهد. بدانید او انتقام خون همه اولیای خدا را می گیرد. او یاری رسان دین خداوند است. بدانید او از دریای عمیق [معرفت] به دست خویش آب برمی دارد. بدانید اوست که بر فضل هر صاحب فضیلتی و جهل هر جاهل می افزاید. همانا که او برگزیده و گزینۀ خداوند است. بدانید او وارث همه علوم و آگاه و چیره به همه آن است. اوست که از خدای خود و امور مرتبط به ایمان خبر می دهد. او راهنمای استوار است. کارها به او تفویض شده است. بدانید همه کسانی که پیش از او بوده اند، به وجودش مژده داده اند. او حجت باقی خداوند است و پس از او حجتی نیست و حق، فقط با اوست و نوری جز در نزد او نیست. هیچ کس بر او چیره و پیروز نمی شود. همانا او ولی خدا در زمییش و حکم خدا در میان خلقتش و امین خدا در نهان و آشکارش است.

ص: 61

6. فَأَمْرُتُ أَنْ آخِذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ أَيْمَةُ قَائِمَةٍ مِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي يَقْضِي بِالْحَقِّ. (1)

پس مأمور شده ام که از شما بیعت بگیرم برای پذیرفتن آنچه از جانب خدای عزّ و جل دربارۀ امیرالمؤمنین علی و امامان پس از او آورده ام. آن ها از من و علی هستند و تا روز قیامت، امام و پیشوایند و مهدی [امت من] که به حق حکم می کند، از آنان است.

7. مَعَاشِرَ النَّاسِ الْقُرْآنُ يُعْرِفُكُمْ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ وَعَرَفْتَكُمْ أَنَّهُمْ مِنِّي. (2)

ای گروه مردم، قرآن برای شما بیان کرده است که ائمه پس از او [یعنی امامان پس از علی (علیه السلام)]، از میان فرزندان اویند و من هم به شما شناساندم که آنان، از نسل من هستند.

8. مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَتَابِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيْمَةَ كَلِمَةً بَاقِيَةً. (3)

ای گروه مردم، از خدا بترسید و از علی تبعیت کنید که امیرالمؤمنین است و از حسن و حسین و دیگر امامان که کلمۀ پاک و پایدار الهی هستند.

ص: 62

1- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 65.

2- محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج 1، ص 98.

3- محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج 1، ص 99.

موضوع امامت و ولایت، از مباحث اعتقادی قرآن است. آیاتی که در قرآن درباره موضوع ولایت آمده است، مشهور به «آیات الولاية» است. این آیات توسط برخی از محققین جمع آوری و به صورت کتابی جداگانه تدوین شده است. برخی از کتب دربردارنده آیات الولاية عبارت اند از:

1. آیات الولاية فی القرآن، نوشته ناصر مکارم شیرازی، به تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی؛
2. آیات الولاية در پرتو فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، نوشته سیدکاظم ارفع؛
3. ولایه الامام علی (علیه السلام) فی الكتاب و السنّه، نوشته مرتضی عسکری؛
4. فی رحاب آیات الولاية و الامامه، نوشته سیدمحمد یثربی کاشانی، تدوین محمدجواد خلیلی و ترجمه علی محمد دریع؛
5. بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت در دیدگاه فریقین، نوشته فتح الله نجارزادگان؛

6. آیات ولایت در قرآن، نوشته سید محمد مرتضوی؛

7. سیری در آیات ولایت و امامت، نوشته سید محمد یثربی کاشانی و تدوین محمد جواد خلیلی.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در خطبه غدیری، در خلال سخنان خویش و در چندین نوبت، آیات الولاية را به صورت صریح یا با کنایه بیان کرده اند. برخی از دلایل آیه آرای و اقتباس از آیات ولایت در این خطبه عبارت اند از:

1. ارائه ریشه های و حیانی موضوع امامت و ولایت؛

2. ارائه دلایل و مستندات قرآنی موضوع امامت خاصه و عامه و اثبات ثقل اصغر از طریق ثقل اکبر؛

3. بستن راه هرگونه سوء استفاده منافقان و مخالفان ولایت، تا کسی نتواند با طرح شعار «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» ولایت را از کتاب خدا جدا کند؛

4. مقبولیت عمومی قرآن میان همه فرقه ها و نحله های اسلامی و طرح بحث امامت از این طریق.

برای روشن تر شدن بحث، فقط به نقل چهارده نمونه از آیات الولاية می پردازیم که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برای اثبات ولایت و امامت به آن ها استناد کرده اند.

1. آیه ابلاغ غدیر قد اعلمنی انی ان لم ابلغ ما انزل الی فما بلغت رسالته وقد ضمن لی تبارک و تعالی العصمه و هو الله الکافی الکریم فأوحی الی {بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ} { يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ

ص: 64

مِنْ رَبِّكَ {1} فِي عَلِيٍّ يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) {وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رَسُولَهُ وَاللَّهُ يَعَصِمُكَ مِنَ النَّاسِ} (2). (3)

همانا خدا مرا آگاه کرد که اگر آنچه بر من نازل شده است، ابلاغ نکنم، حق رسالت را به جا نیاورده ام و هرآینه خداوند تبارک و تعالی مصونیت از دشمنان را برایم ضمانت کرده است و تنها او کفایت کننده و بخشنده است؛ پس به من وحی کرد: «به نام خداوند بخشنده مهربان. ای رسول، آنچه از جانب پروردگارت [درباره علی (علیه السلام) یعنی جانشینی علی بن ابی طالب (علیه السلام)] بر تو نازل شده است، ابلاغ کن و اگر چنین نکنی، رسالت حضرت حق را ابلاغ نکرده ای و خداوند تو را از شرّ مردمان نگاه می دارد.»

در این بخش از خطبه، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با استفاده از آیه 67 سوره مبارکه مانده، به چگونگی ابلاغ امامت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و نقش ولایت و امامت در تکمیل رسالت و پیوستگی صددرصد این دو در اكمال دین تصریح کرده اند. از دقت در این آیه معلوم می شود که در ابلاغ امر ولایت اهل بیت (علیهم السلام) و دفاع از آن، باید شجاع باشیم و ملاحظات سیاسی و موانع اجتماعی نباید مانع از عمل به این مهم شود.

2. آیه ولایت

وَ هُوَ وَلِيُّكُمْ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ: {إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا

ص: 65

1- مانده، 67.

2- مانده، 67.

3- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 59.

يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ {1} وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ. (2)

و او [یعنی علی] پس از خدا و رسولش مولای شماسست و همانا خداوند تبارک و تعالی در این باره آیه ای از کتابش را نازل کرده است: «همانا ولی خدا و رسول او و مؤمنین کسانی اند که نماز را به پا داشته و در حال رکوع زکات می دهند.» و علی ابن ابی طالب (علیه السلام) کسی است که نماز را به پا داشت و در حال رکوع، زکات پرداخت و اوست که در هر حالی، به دنبال رضای خداست.

آیه 5 سوره مبارکه مائده که به آیه ولایت مشهور است، از آیات بسیار معروف در موضوع اثبات ولایت امام علی (علیه السلام) است. این آیه بر اساس اسناد تاریخی و گفته مفسرین، درباره امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و واقعه ای است که آن حضرت، در حال رکوع نماز، انگشتر خود را انفاق کردند. این حقیقت، علاوه بر اثبات شایستگی های ایشان، به وحیانی بودن موضوع امامت نیز تصریح دارد.

3. آیه اُذُن (زودباور)

سَأَلْتُ جَبْرِيْلَ أَنْ يَسَّ تَعْفَى لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِي بِقَلْبِهِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَإِدْغَالِ الْآثِمِينَ وَحَتْلِ الْمُسَّ تَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ:

ص: 66

1- مائده، 55.

2- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 59.

{يَقُولُونَ بِالْأَسِنَّةِ الَّتِي فِي قُلُوبِهِمْ} (1) وَيَحْسَبُونَ {هَيْبَتًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ} (2) وَكَثْرَهُ أَذَاهُمْ لِي فِي غَيْرِ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْنِي أَذْنًا وَرَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكَ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِيهِ إِيَّايَ وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَالِكَ قُرْآنًا: {وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ لَأَنْتَ أَذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ} (4). (5)

در ابتدای امر، از جبرئیل خواستم که مرا از ابلاغ این پیام به شما مردم معذور بدارد؛ [زیرا] از کمی تقواییشان و زیاده‌ی منافقان و نیرنگ گناهکاران و فریب کاری تمسخرکنندگان اسلام آگاه بودم: همان‌ها که خداوند در کتابش وصفشان کرده است و می‌فرماید: «با زبان‌هایشان سخنی می‌گویند که در دل‌هایشان نیست» و می‌پنداشتند «آن سخنی کوچک است؛ درحالی که نزد خداوند، بزرگ است» و [نه یک بار، بلکه] همواره مرا بسیار می‌آزردند و شدت آزارم را به آنجا رساندند که مرا {اُذُنٌ} (زودباور) نامیدند و گمان کردند، به علت همراهی بسیار علی با من و عنایت من به او، این چنین هستم؛ تا اینکه خداوند عزّ و جل این آیه را نازل فرمود: «و از ایشان کسانی هستند که پیامبر را می‌آزارند و می‌گویند: 'او حرف شنو زودباور است.' بگو: 'زورباوری او برای شما نیکو و به نفعتان است. [بدانید] او به خدا ایمان دارد و [فقط] مؤمنان را تصدیق می‌کند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، رحمت

ص: 67

1- فتح، 11.

2- نور، 15.

3- توبه، 61.

4- توبه، 61.

5- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 59.

است و آن‌ها که رسول خدا را آزار می‌دهند، عذاب دردناکی دارند!»

در این قسمت از خطبه، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ضمن استفاده از آیه 15 سوره مبارکه نور و آیه 61 سوره مبارکه توبه، با بیان علت امتناع خود از اعلام رسمی امامت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، یعنی آزار و کارشکنی منافقان، آنان را نکوهش کرده‌اند. از این عبارات و معنای آیات مرتبط با آن، معلوم می‌شود منافقان افرادی سرکش و ماجراجو و قدرت طلب‌اند که حتی سابقه سرکشی در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و شایعه سازی علیه آن حضرت را نیز در کارنامه خود دارند، تا چه رسد به سرکشی در برابر امام علی (علیه السلام)!

4. آیه جنب الله

«مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ جَنْبُ اللَّهِ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ تَعَالَى: {أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ} (1)» (2) (ای مردم، همانا علی «جَنْبُ اللَّهِ» است که خداوند در کتابش از او چنین یاد کرده است: «تا مبادا کسی بگوید واحسرتا از کوتاهی که در حق 'جَنْبُ اللَّهِ' مرتکب شدم!»)

مقام والای امام علی (علیه السلام) مقام جنب اللهی (3) است. آن حضرت پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نزدیک ترین فرد به خداست که به مقاماتی چون یداللهی، سیف اللهی، اُذُن اللهی، وجه اللهی و... رسیده است. تعبیر جنب الله برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) برگرفته از آیه 39 سوره مبارکه زمر است که می‌فرماید: {أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا

ص: 68

1- زمر، 56.

2- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 60.

3- مقام جنب اللهی حاکی از کمال تقرب و طاعت به درگاه خداست (نک: محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج 1، ص 145 و ج 3، ص 234).

فَرَطْتُ فِي جَنَبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ}. بر این اساس، کوتاهی در معرفت و محبت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اطاعت از آن بزرگوار، خسارتی است حسرت بار و فاجعه آفرین در دو دنیا.

5. اقتباس از آیات غدیر

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ أَنْ الْإِمَامَةَ بَعْدِي لِعَلِيِّ وَوَلِيِّكَ عِنْدَ تَيْبَانِي ذَلِكَ وَنَصَبِي إِيَّاهُ بِمَا أَكْمَلْتَ لِعِبَادِكَ مِنْ دِينِهِمْ وَأَتَمَّمْتَ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِكَ وَرَضِيَتْ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَقُلْتُ: {وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ} (1). (2) پروردگارا، تو این فرمان را بر من نازل فرمودی که پیشوایی و امامت بعد از من، به ولیّ تو [علی (علیه السلام)] اختصاص دارد و من نیز این موضوع را بیان کردم و او را به این مقام منصوب کردم تا به این سبب، دینت را برای بندگان کامل ساختی و نعمت را برایشان تمام کردی و راضی شدی که اسلام دین آنان باشد که خود فرموده ای: «و هرکه از دینی غیر از اسلام پیروی کند، هرگز از او پذیرفته نمی شود و او در آخرت، از زیان کاران است.»

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در این قسمت از خطبه، به بخشی از آیه 3 سوره مبارکه مائده، یعنی {الْيَوْمَ

أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا} و نیز آیه 85 سوره مبارکه آل عمران استناد کرده اند. در این آیات، انتصاب امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از سوی خدا به مقام امامت، اکمال دین و اتمام نعمت به برکت ولایت ایشان و همراهی همیشگی ولایت با اسلام، به صراحت بیان شده است.

ص: 69

1- آل عمران، 85.

2- احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج 1، ص 61.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّمَا أَكْمَلَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ يَتَّبِعُهُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مَنْ صَلَّى إِلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَ {أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ} (1) وَفِي {النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ} (2) * {لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ} (3). (4)

ای مردم، همانا خداوند عز و جل دین شما را با امامت او [یعنی علی (علیه السلام)] کامل کرده است؛ پس هرکس به او و جانشینانش نپیوندد که تا روز قیامت، از فرزندان من و از صلب او هستند، «پس ایشان اعمالشان حبط شده و در آتش دوزخ جاودانه اند.» «نه در عذابشان تخفیفی باشد و نه به آن ها نظر مرحمتی شود.»

در این بخش که درباره مخالفین ولایت است، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اشاره کرده اند به آیه 17 سوره مبارکه توبه که می فرماید: { مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ } و نیز آیه 162 سوره مبارکه بقره که عبارت است از: { خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ }. بر اساس این آیات معلوم می شود اعمال صالح و عبادی، در صورت خروج انسان از خط ولایت، حبط و نابود می شود و نتیجه آخرتی آن، عذاب بدون تخفیف و غضب همیشگی خدا و سکونت جاودانه در جهنم خواهد بود.

ص: 70

1- آل عمران، 22.

2- بقره، 217.

3- بقره، 162.

4- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 61.

«مَعَايِرَ النَّاسِ... وَمَا أَنْزَلْتَ آيَةَ رَضَى إِلَّا فِيهِ.» (1) (ای مردم،... هیچ آیه ای نازل نشده است که رضایت حق در آن باشد؛ مگر اینکه درباره او [یعنی علی ابن ابی طالب] است.)

تعدادی از این آیات نورانی عبارت اند از:

الف. آیه 119 سوره مبارکه مانده: {قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ}

ب. آیه 100 سوره مبارکه توبه: {وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ}

ج. آیه 18 سوره مبارکه فتح: {لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا}

د. آیه 22 سوره مبارکه مجادله: {لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ}

از آنجاکه علی ابن ابی طالب (علیه السلام) صاحب نفس مطمئننه و عالی ترین درجات رشد انسانی بوده و تمام وجود خود را صرف خدمت به اسلام

و مسلمین کردند، به مقام والای رضوان الهی دست یافتند و بی دلیل نیست که خطاب: { يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * اذْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً } (1) زینده آن حضرت است.

8. همه آیاتی که با { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا } آغاز شده است

«وَمَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ» (2) (و خداوند هیچ گاه خطاب: «ای کسانی که ایمان آورده اید» را صادر نفرموده است؛ مگر اینکه او [یعنی علی (علیه السلام)] سرفصل آن خطاب است.) امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به دلیل پیشی گرفتن از دیگران در ایمان به خدا و رسول او و معادباوری و نیز اخلاص ممتاز و پذیرش مشتاقانه فرامین الهی، سرفصل همه خطاب های قرآنی به مؤمنان است. بیش از نود آیه از قرآن کریم با خطاب { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا } آغاز شده است؛ از جمله آیه 135 سوره مبارکه نساء: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ... } (ای کسانی که ایمان آورده اید، کاملاً قیام به عدالت کنید...).

9. همه آیاتی که مؤمنان را ستایش می کند

«وَلَا تَزَلَتْ آيَةٌ مِّنْهُ مَدْحٌ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ» (3) (هیچ آیه ای در قرآن نازل نشده است که در آن، کسی را ستوده باشد؛ جز آنکه درباره او [یعنی علی (علیه السلام)] است.)

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از عالی ترین و برترین درجات ایمانی برخوردارند. آن حضرت در خیل اهل ایمان، همواره

ص: 72

1- فجر، 27 و 28.

2- محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج 1، ص 95.

3- محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج 1، ص 95.

پیشتر بوده و کمترین سابقه ای از شرک و حتی شک در کارنامه ایمان ایشان وجود ندارد و هرکجا در قرآن صحبت از ستایش مؤمنان است، علی (علیه السلام) در رأس همه اهل ایمان، مراد آیه اند. از جمله این آیات نورانی عبارت اند از:

الف. آیه 63 سوره مبارکه فرقان: { وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا } (و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند و چون نادانان ایشان را مخاطب قرار دهند، با ملایمت پاسخ می دهند).

ب. آیه 95 سوره مبارکه نساء: { فَصَلَّ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا } (خدا مجاهدان را بر خانه نشینان، با پاداشی عظیم برتری بخشیده است).

ج. آیه 10 سوره مبارکه واقعه: { وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ } (و سبقت گیرندگان مقدم اند).

د. آیه 23 سوره مبارکه احزاب: { مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا } (از میان مؤمنان، مردانی اند که به آنچه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی شان در [همین] انتظارند و [هرگز] عقیده خود را [تبدیل] نکردند).

10. آیات سوره مبارکه «هَلْ أَتَىٰ»

«وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْحَقِّ فِي { هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ { إِلَّا لَهُ. (1) (و خداوند در

ص: 73

سوره «هَلْ أَتَى» به بهشت گواهی نداده است، مگر برای او [یعنی علی (علیه السلام)].

سوره مبارکه انسان سوره ابرار است و آیات آن در شأن اهل بیت (علیهم السلام) و مقام ایشان و اخلاص و پاداش آخرتی آنان است که در این میان، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) چونان نگینی می درخشند.

11. سوره مبارکه عصر

«وَفِي عَلِيٍّ أَنْزَلَ اللَّهُ سُورَةَ الْعَصْرِ...» (1) (سوره عصر درباره علی نازل شده است...).

عمل صالح یعنی عملی شایسته که علاوه بر ملاک رضایت و تأیید الهی، باید تأیید و رضایت ولیّ زمانه را هم همراه داشته باشد و اگر عملی شایسته مطابق نظر ولیّ امر نباشد، در واقع صالح نخواهد بود. بر این مبنا، اعمالی مانند صلح یا جهاد، با اینکه عنوان عمل صالح را یدک می کشند، اگر در موقعیتی مطابق نظر امام نباشند، عمل صالح نخواهند بود. زیان کاران و اهل خسران همان کسانی اند که در زمان دستور امام به جهاد، صلح را برمی گزینند و در وقت فرمان امام به صلح، به دنبال جهادند. تاریخ در این زمینه، خوارج بسیاری را به چشم دیده است که اندک بهره ای از عمل صالح نداشته اند.

12. آیه ایمان به نور

مَعَاشِرَ النَّاسِ آمَنُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِالَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ { مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَيَّ أَذْبَارِهَا } (2) مَعَاشِرَ النَّاسِ

ص: 74

1- محمدبن احمد قتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج 1، ص 95.

2- نساء، 47.

النُّورِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي نَسْلِ الْمُهْدِيِّ... (1).

ای مردم، ایمان بیاورید به خدا و رسولش و نوری که با او نازل شده است، «پیش از آنکه چهره‌هایی را هلاک و نابود یا واژگونه کنیم!» ای مردم، نوری از سوی خداوند عزّ و جل در من نهاده شده است که پس از من، در علی و پس از او، در نسل اوست تا مهدی قائم... .

در این عبارات، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با اقتباس از آیه 8 سوره مبارکه تغابن که می‌فرماید: {فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ} و نیز آیه 47 سوره مبارکه نساء، یعنی: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا} به معرفی نور ولایت و هدایت در نسل فرزندان معصوم خویش پرداخته‌اند، آن هم تا دامنه قیامت! 13. اقتباس از آیه ارتداد

مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنْذَرُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ حَلَّتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ أَفَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصِدَّرَ اللَّهُ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ أَلَا وَ إِنَّ عَلِيّاً هُوَ الْمُؤَصَّوْفُ بِالصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ. (2)

ای مردم، شما را بیم می‌دهم که من فرستاده خدا هستم که

ص: 75

1- محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج 1، ص 95.

2- احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج 1، ص 62.

پیش از من نیز رسولانی بوده اند؛ پس اگر بمیرم یا کشته شوم، آیا شما مرتد می شوید؟ و هرکس به گذشته کفرش بازگردد، هرگز به خدا زیانی نرساند و خدا به زودی شاکران را پاداش خواهد داد. بدانید علی کسی است که به صبر و شکرگزاری توصیف شده است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با اشاره به آیه 144 سوره آل عمران که می فرماید: {وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئاً وَسَيُجْزَى اللَّهُ الشَّاكِرِينَ}، بزرگ ترین مانع پیشرفت اجتماعی دوران خود و امامت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را جریان نفاق و ارتداد و تمرد معرفی کرده اند.

14. آیه جایگاه منافقان

«مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُمْ وَأَنْصَارُهُمْ وَأَتْبَاعُهُمْ وَأَشْيَاعُهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ.» (1) (ای مردم، همانا منافقان و یاران و پیروان و طرف دارانشان در پایین ترین طبقات دوزخ اند.)

این عبارت از خطبه غدیریه که در آن، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) منافقان و جریان ممتد تاریخی آن ها، یعنی پیروان و طرف دارانشان را نفرین کرده و مشمول لعن و عذاب الهی قرار داده اند، اشاره ای است به آیه 145 سوره نساء که می فرماید: {إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيراً}.

ص: 76

1. قرآن کریم.
2. ابن طاووس، علی بن موسی، التحصین لأسرار ما زاد من کتاب الیقین، به تحقیق و تصحیح اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، چ 1، قم: مؤسسه دار الكتاب، 1413ق.
3. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، ج 1 و 2، چ 2، تهران: دار الکتب الإسلامیه، 1409ق.
4. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، ج 4، چ 1، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، 1414ق.
5. جر، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه و تصحیح سیدحمید طیبیان، ج 2، چ 20، تهران: امیرکبیر، 1391ش.
6. جوادی آملی، عبدالله، ادب؛ فنای مقربان، به تحقیق و تنظیم محمد صفایی، ج 1، چ 3، قم: مرکز نشر اسراء، 1382ش.
7. سبحانی تبریزی، جعفر، فروغ ولایت، چ 1، قم: مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، 1387ش، به نقل از: کتابخانه دیجیتال قائمیه.

8. صدوق (شیخ صدوق)، محمدبن علی بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ج2، چ2، تهران: اسلامیه، 1395ق.
9. طبرسی، احمدبن علی، الاحتجاج، به تحقیق و تصحیح محمدباقر موسوی خراسان، ج1، چ1، تهران: نشر مرتضی، 1403ق.
10. طبرسی، احمدبن علی، متن و ترجمه کتاب شریف احتجاج، ترجمه بهراد جعفری، ج1، چ1، تهران: اسلامیه، 1381ش.
11. طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، به تحقیق و تصحیح حسن موسوی خراسان، ج6، چ4، تهران: دار الکتب الإسلامیه، 1407ق.
12. طوسی، محمدبن حسن، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج2، چ1، بیروت: مؤسسه فقه الشیععه، 1411ق.
13. علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، به کوشش محمدبن حسین شریف الرضی، ترجمه محمد دشتی، چ1، قم: مشهور، 1379ش.
14. فتال نیشابوری، محمدبن احمد، روضه الواعظین، به ترجمه و حاشیه نویسی محمود مهدوی دامغانی، ج1، چ1، تهران: نشر نی، 1366ش.
15. فتال نیشابوری، محمدبن احمد، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج1، چ1، قم: رضی، 1375ش.
16. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج1 و 2 و 3 و 4، چ4، تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1407ق.
17. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، به تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، ج37، چ2، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1403ق.

18. مفید، محمدبن محمد، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، به تحقیق و تصحیح مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ج 1، چ 1، قم: کنگره شیخ مفید (رحمه الله)، 1413ق.
19. مفید، محمدبن محمد، کتاب الامالی، به تحقیق و تصحیح حسین استادولی و علی اکبر غفاری، چ 1، قم: کنگره شیخ مفید (رحمه الله)، 1413ق.
20. موسوی خمینی، سیدروح الله، ولایت فقیه (حکومت اسلامی): تقریر بیانات امام خمینی (قدس سره)، چ 30، تهران: مؤسسه چاپ و نشر 21. عروج، وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، 1394ش.
22. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، روحانیت و حوزه های علمیه از دیدگاه امام خمینی (س)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، 1368ش.
23. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج 11 و 20، به نقل از: نرم افزار صحیفه امام، نسخه 3.
24. مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی صهبا، انسان 250 ساله (بیانات مقام رهبری درباره زندگی سیاسی مبارزاتی ائمه معصومین (علیهم السلام))، چ 27، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی صهبا، 1392ش.
25. مؤسسه فرهنگی هنری راه فخر الائمة (علیهم السلام)، ولایت فقیه؛ سایه حقیقت عظمی در بیان حضرت امام خمینی (قدس سره) و رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)، ج 2، به نقل از: کتابخانه دیجیتال سایت مؤسسه مطالعاتی صراط مبین.

مسابقه فرهنگی حاضران به غایبان برسانند

توضیحات شرکت در مسابقه

* پرسش ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می توانند در مسابقه شرکت کنند.

* به روش های زیر می توانید در مسابقه های فرهنگی شرکت کنید:

1. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی 3000802222: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه های صحیح پرسش ها را به صورت یک عدد پنج رقمی از چپ به راست، همراه با نام و نام خانوادگی خود، به سامانه پیامکی 3000802222 ارسال کنید.

مثال: حاضران به غایبان برسانند 12342 محمد عظیمی

2. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی:

www.razavi.aqr.ir

3. پاسخ به پرسش ها در پاسخ نامه: پاسخ نامه تکمیل شده را می توانید به صندوق های مخصوص مستقر در پایگاه های اطلاع رسانی فرهنگی بیندازید یا به صندوق پستی 351-91735 ارسال کنید.

* هزینه ارسال پاسخ نامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.

* آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

* قرعه کشی از بین پاسخ های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می رسد.

تذکر: پیشنهادات و انتقادهای خود را در پیامکی جداگانه ارسال کنید.

تلفن: 051 - 32002569

ص: 80

پرسش ها

پرسش اول: پس از روز مبعث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، برترین روز در تاریخ تمدن اسلامی و مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، کدام است؟

1. عید قربان

2. روز عرفه

3. عید غدیر خم

4. عید فطر

پرسش دوم: در کدام گزینه، ویژگی روز غدیر در کلام امام رضا (علیه السلام) آمده است؟

1. عید بزرگ خدا

2. روز انتشار علم

3. روز تهنیت و شادباش

4. همهٔ گزینه ها

پرسش سوم: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در خطبهٔ غدیر با سه شیوه در پی بسترسازی برای پذیرش ولایت و اثبات امامت معصومین (علیهم السلام) بودند. در شیوهٔ تعبیدی، چگونه به تبیین موضوع انتصاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) به امامت از جانب خداوند و لزوم اعلام این مهم پرداخته اند؟

1. با بیان فضایل منحصر به فرد امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

2. با بشارت به پاداش بزرگ ولایت مداری

3. با بهره گیری از آیات قرآن کریم

4. با اعلام خطر و عذاب برای ولایت گریزان

ص: 81

پرسش چهارم: کدام گزینه ناظر بر رسالت علمی و معرفتی غدیریان است؟

1. معرفت شناسی غدیر به عنوان جریانی تاریخی

2. تلاش برای اجرای پیام غدیر در زندگی شخصی

3. برپایی جشن های خانوادگی به مناسبت عید غدیر

4. تلاش عملی برای حاکمیت بخشی احکام اسلام

پرسش پنجم: چرا در خطبه غدیریه از آیات ولایت اقتباس شده است؟ 1. مقبولیت عمومی قرآن میان همه فرقه ها و نحله های اسلامی

2. ارائه ریشه های و حیانی موضوع امامت و ولایت

3. بستن راه هرگونه سوء استفاده منافقان و مخالفان ولایت

4. همه گزینه ها

ص: 82

پاسخ‌نامه مسابقه فرهنگی حاضران به غایبان برسانند

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

تحصیلات: استان: شهر:

تلفن ثابت باکد شهر: شماره همراه:

گزینه	۱	۲	۳	۴
پرسش				
اول				
دوم				
سوم				
چهارم				
پنجم				

نظرسنجی کتاب حاضران به غایبان برسانند

ردیف	موضوع	بسیار خوب	خوب	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب پرسش‌ها با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
پیشنهادها و انتقاداتها:						
.....						
.....						

لبه کاغذ را پس از برش، تازده و بچسباند

پست جواب قبول



..... فرستنده:

.....

.....

..... کد پستی:

از این قسمت تا شود - - - - -

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی
صندوق پستی: ۲۵۱ - ۹۱۷۳۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

